بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

و بعد مکشوف میدارد حسب الفرمان

بندگان دربار عرش مدار شهریار زمان و پادشاه زمین ظل الله

فی الارضین سلطان السلاطین ناصر الدین شاه قاجار که همیشه اعلام اعلامش

منصور و اعدایش مقهور باد در دور ترجمه که از ارباب حرفه الا

دولت علیه ایران صانها الله عن الحدثان است کتابچه را که در قوانین

دولت قویه فرانسه دو مصنف آگاه و زیرک نوشته و لکن تصنیف

نموده بودند برضای رب ارباب ترجمه کرده محرر بی آنکه

رعایت سجع کند و با عبارات غیر مأنوسه تکلف ریزد برشته

تحریر کشید امید که مقبول طبع شگفت پسند خردمندان افتد و الله

پوشیده مباد که در مملکت فرانسه در سه دایره حکم جاری میشود

اول

اول پایتخت در جائیکه امنای دولت می نشینند

دوم ولایات در جائیکه حاکم نشین است سیم

دهات در جائیکه کدخدا مقام دارد باید دانست که دولت

به هشتاد و شش ولایت و سیصد و شصت بلوک بخش و هفتصد و

صد و هشتاد و هفت ده منقسم میشود و هشتاد و شش ولایت مذکوره

به بیست و هفت عدالتخانه بزرگ و سیصد و شصت و سه عدالتخانه

حد وسط و دو هزار و هشتصد و سی و سه عدالتخانه کوچک قسمت میشود

و ولایات مذکوره نسبت بحکومت نظامی منقسم به بیست و یک قسمت

و نسبت بحکومت دریائی منقسم به شش قسمت میگردد و نسبت بامور

راه خانها و راهها بچهار ده قسمت منقسم میشود و نسبت بمعادن

بهجده قسمت انقسام می پذیرد و نسبت بگمرک بیست و شش قسمت

میگردد و نسبت به جنگلها منقسم بسی و دو قسمت میگردد و نسبت

بمدارس منقسم به بیست و شش قسمت میگردد و موافق قرارداد

دولتی زمام مهام فرمان روائی در کف کفایت پادشاه

و پادشاه بر عساکر بری و بحری حکمران است و هر منصبی که اعطا میشود

و حکمی که صادر میگردد از پادشاه است و دیگر آنکه چون پادشاه را

نمیتوان در امور دولت مواخذه کرد باید اشخاصی داشته باشد

که امور دولت را بایشان بسپرده هر وقت خبط و خطائی روی دهد

از عهده بر آیند و این اشخاص وزرائی هستند که در مرتبه اولیه

و امور دولت را تدبیر دارند و هر یک کار مخصوصی وا داشته شده اند

و هر حکمی که پادشاه صادر فرماید تعلق بهر وزیری دارد آن وزیر

بجای آورده اگر حکم مزبور نقصان یا زیانی بهم رساند باید وزیر

از عهده بر آید و هر یک از وزرا با کارگذاران فروتر از خود در تمامت

حکومت خویش مراسله نگاری دارند بایشان حکم میکنند در زمان

دولت امور مملکت را تدبیر میکنند و در مخارج و مداخل دولت

قرار میگذارند و باید تمام حساب مخارج و مداخل دولتی در دیوانخانه

عرض شده پس از آن در روزنامه چاپ شود و پادشاه مختار است

هر کس را بخواهد بوزارت نصب کند و هر کس را بخواهد عزل نماید

و در اموریکه

و در اموریکه میتوان وزرا را مواخذه کرد باید خود بنفس نفیس از عهده

بر آیند یعنی یا باید جوابی با صواب گویند و یا مستعفی شوند

اما اموریکه در هر یک آنها وزرا مواخذه میشوند از این قرار است

اول آنکه از ایشان نسبت بپادشاه و عامه خطائی سرزده باشد

و دویم آنکه مخالف قواعد دولت حکمی کرده باشند

و سوم آنکه بر رعایا مالیاتی بنهند که خلاف انصاف باشد

و چهارم آنکه از اندوخته مملکت چیزی را بیجا اخذ نمایند

و پنجم آنکه حکمرانان دیگر حکمی کنند که خلاف انصاف باشد

باری اکنون در فرانسه ده وزیر میباشند که امور دولت

بسته بتدبیر ایشانست اول وزیر عدلیه و دینیه دویم

وزیر امور خارجه سوم وزیر مدارس چهارم وزیر داخله

پنجم وزیر تجارت و زراعت ششم وزیر معماریهای دولتی

هفتم وزیر لشکر هشتم وزیر دریائی نهم وزیر استیفا

دهم رئیس وزرا که کار مخصوصی ندارد و کسیکه حرفگذارا

دوستند و در تحت اطاعت این ده وزیر میباشند و غیر از اهل
نظام‌اند و همیشه در سفر و حضر باید بامور دولت مشغول باشند
و نهایت سعی را برای آسایش دولت و یاری کنند و محافظت نمایند
و آنها قریب به دویست و پنجاه هزار نفر میباشند و فی المثل کسانیکه
از این دویست و پنجاه هزار نفر آنهائی که بامور دولت رسیدگی
میکنند پنجاه و هفت نفر هستند و کسانیکه در عدلیه کار میکنند از هر
صد و پانزده نفر هستند و کسانیکه امور مدارس و تعلیمخانه‌ها را انجام
میدهند هر صد و بیست و دو نفر میباشند و اشخاصیکه رسیدگی
بامور خارجه میکنند هشتصد و پانزده نفرند و آنها که امور داخله
را درست مینمایند هر دویست و بیست و چهار نفرند و آنها که کارهای
متعلقه بزراعت و تجارت مشغولند صد و هشتاد نفر هستند
و کسانیکه معماریهای مملکت در عهده ایشان است صد و چهل و دو نفر
و اشخاصیکه بمحاسبات میرسند نهصد و نود و دو نفر میباشند
بالجمله کسانیکه مشغول تعلیم و تعلم میباشند صغیراً و کبیراً چهل هزار نفر

و اشخاصی

و اشخاصی که در دول خارجه از جانب سنی الجوانب ایشان
بسفارت مامورند دو ایلچی کبیر و بیست و یک وزیر مختار و سی و دو
نایب اول و پنجاه و یک نایب دوم بغیر قونسولها و [illegible]
و غیرهم میباشند و بعضی پرداختن امور داخله مملکت هشتاد و شش حاکم
کل و هفت دفتردار بزرگ و دویست و هشتاد و هشت حاکم
جزو و سیصد و بیست و هشت مشیرالحکومه و سی و هفت هزار کدخدا
هستند و سیصد و هشتاد نفر بامور تجارت و زراعت و صناعت
رسیدگی میکنند و برای کارهای متعلقه بمعادن و معماریها هفتصد
هشتاد و نه نفر مهندسین صاحبان مناصب مختلفه میباشند و در
زیر اطاعت مهندسین مذکوره هفتصد و شصت نفر دیگر میباشند
و قریب به هشتاد هزار نفر در امور محاسبات چه در کمرک
یات و چه در امور چاپارخانه و چه در کارهای ضرابخانه اشتغال
دارند و مخارج یعنی اشخاص مختلفه صد و هشتاد میلیان قران است
و قریب سی کرور تومان هم در کارهائیکه در عهده کار

گذاران دولت است و بیشتر از کلیه مملکت فایده دارد در ساختن راهها
همه وجوه عموم را اعم از اینکه بحری یا بری آسان نماید
و بدانکه راهها بجادههای بزرگ و کوچک منقسم میشود و جادههای بزرگ
جادهها ئیست که از ولایتی بولایتی یا از سواد اعظمی بسواد اعظم
و یا بسرحدات میرود و جادهای کوچک جادهها ئیست که از قصبه
بقصبه و از دهکده بدهکده میرود بلکه در شهر از محله بمحله و یک قسم
هم هست که ببردن لشکر و قورخانه و توپخانه و آذوقه و اسلحه
در هنگام جنگ اختصاص دارد و در این زمان تازه یک اختراع
شده است که راه آهن باشد و ساختن اینگونه راه بقدرت و همت
دولت توقف دارد و نیز باید در ساختن راه ملاحظه کنند استقامت
و وسعت جاده یا بودن درخت در طرف جادههای کوچک و درختان است
و منفعت راه ساخته این است که از مملکتی بمملکتی و از ولایتی بولایتی
و از شهری بشهری و از بلوکی ببلوکی و از دهکده بدهکده هر نوع
محصولات و زراعت و صناعت و تجارت بآسانی حمل میشود

ظاهراً مراد مصنف از راه هر جا مذکور است اول بنا و دنبال ساختن راه آهن است ۱۲

و پس از ساختن راه باید بکارهای متعلقه به آب که از عناصر است
و مایه زندگانی انسان میباشند پرداخت و پوشیده نیست که اگر چه
آب از لوازم زندگانی انسان و حیوان و پاکیزگی آن باعث سلامتی
هوا و فراوانی محصولات زراعت و صناعت و با کشتی
بردن مال و اجناس را از جائی بجائی بسیار واجب است ولی
بیشتر از آن گاهی ضایع شود و گاهی موجب خطر گردد اول هر جائی
که آبها کم است که گندیده گردد و علت ناخوشی شود و ثانی
هم موجب خطر میگردد اوقاتی است که طغیان کرده بلاد و دهات
خرابی رساند پس تعیین حکومت مخصوصه آب واجب است اهم
از اینکه در کنار دریا و یا دریاچه و یا رودخانه و یا مجرای آب
باشد و پس از این باید بر نظر بحال معادن کنند و در مملکت فرانسه
چیزی که از معادن بیشتر بدست میآید آهن و ذغال سنگ و سنگ کوهی
ساختن عمارات میباشد و برای اینکه در املاک ایران اینگونه مسئله
میباشد و لقاحیت آنها نیز منفعت دولت واجب و لازم است

امور متعلقه بآب که در فرانسه در مرتبه دوم است در اینجا در مرتبه اول میباشد چه جمیع زراعت و کارخانهها که دولت منفعت میبرد از آب است و در ایران امر آب جاری کاریز رکی است که بجای دریاچه فرانسه و از آنها میخواهد و دیگر چنین شعبات وادی و دعواهای هر در سر آب بیشه موقوف میگردد و گاه در قدیم شخص بزرگی میرآب بوده است که اداره آن هم بدست میگرفته میرآب مشغول نیست ۱۲

که کار کنند و یا کسانیکه کار میکنند پرداخته شود و پس از این
باید در معماریهای دولتی اقدام کنند از قبیل ساختن راهها
و پلها و قلعه جات و عمارات و غیره هم مملکت را باید
منقسم بهشتاد و شش ولایت کرده هر جا حاکمی نشسته که و مخارجی
که در عهده هر یک از آن ولایات بیان باید تفصیل است
ساختن عمارات حاکم و نایب الحکومه و عمارات عدالتخانه
و زندانخانه‌ها و مریضخانه‌ها و معابد و عمارات کشیکخانه و ساختن
جاده‌ها و غیره هم و اما مداخل که مخصوص این مخارج است اجاره
دادن املاک دولتیست برعایا و گرفتن باج پلهائی
که از پول دولت ساخته شده از غیره و عزل و نصب
حاکم هر ولایتی باختیار پادشاه است و هر حاکمی قبل
از رفتن بمقر حکومت خود باید با پادشاه یا کسیرا که پادشاه
معین فرموده سوگند وفاداری نماید و حاکم باید در هر جائیکه
حکومت آنرا دارد و اگر اشخاصی از منزل رفته
هر گاه وقتی از دولت اذن گرفته بجای خود نایب آن

یعنی حاکم باید در دولت را
نسبت رعیت انجام بدهد
که در کار رعیت و نسبت دولت
با تمام الله ۱۲

باشد اگر لازم باشد و حاکم در ولایتی که باو سپرده میشود نسبت
برعیت وکیل دولت است و نسبت بدولت وکیل
رعیت و تنها حاکم صاحب اختیار ولایتیست که بر آن
ولایت حاکم است و حاکم باید هر نوع حکم و فرمانی
که از دولت صادر میشود برعیت برساند و هر مطلبی و عرضی
که رعیت دارد بدولت عرض کند و بعد آنکه حاکم بوزیر داخله
اطاعت دارد و جمیع دیوانیان غیر از اهل نظام و عدلیه نیز
در تحت اطاعت حاکم میباشند ولی نمیتواند هر مرافعه
حکم کند که بعدالتخانه رفته انجام دهد و هر گاه لازم باشد
میتواند از رعیت حکومت خود از اهل نظام کمک بخواهد و قطع
رعیتی را که گردنکشی نماید در اطاعت حاکم داشته نیز
و تعیین کردن امور و کلای رعایا و گرفتن سربازان جدیده
و اخذ مالیات دیوانی بعهده هر حاکم است و حاکم باید
راهها و زندانخانه‌ها و عدالتخانه‌ها و گرفتن مالیات و مخارج

ولایت خود رسیدگی کند و بغیر از آنچه ذکر شد تکالیف دیگر
که در عهدهٔ حاکم است باین تفصیل است که اول بنوکران
فرودست از خود معانی هر یک از احکام دولت را که میخواهد
جاری کند بیان نماید دوم آنکه هر حکمی را با قضای وقت
انجام دهد و سوم آنکه هر وقت لازم شود در انجام حکم
ابرام نماید و چهارم آنکه پس از جاری کردن حکم و انجام
دادن کارگذاران و از چگونگی انجام دادن جویا شود
و بعرض کسانیکه بایشان حکم میکنند رسیدگی نماید پنجم
آنکه برحسب منفعت دولت عرایض ایشان را با قبول کند
و یا رد نماید ششم آنکه از چاکران دیوانی کسانیکه از او
فرودستند هرگاه عمل قبیحی دیده شود مؤاخذه کند و هفتم
آنکه هر کاریکه مخالف فرمان پادشاه و منافی حکومت او است
ممانعت نماید و هشتم آنکه بداد خواهی رعایا رسد و نهم
آنکه چاکران غیر قابل و بیکاره را موافق عدل مملکت تنبیه نماید

و حکم

و حکم حاکم را تعلیقه میگویند و حاکم که حکمی را جاری کرده در
اوقاتی چند میتواند تغییر دهد و بدانکه هر حکمی را حاکم صادر کند
وزرا مصلحت بدانند میتوانند تغییر دهند و هر عملیکه حاکم
در حکومت خود متعرض میشود باید در دولت از عهده بیاید و حاکم
بتنهائی میتواند حکم خود را جاری کند ولی هر وقت بخواهد از اداره
حکومت مصلحت بیابد و وزرای مذکوره بیست نفر از بزرگان
ولایت میباشند که سه ساله تعیین میشوند و در هر ساله ده نفر
ده نفر از ایشانرا معزول کرده ده نفر دیگر بجای ایشان نصب
مینمایند و شرط کسانیرا که منتخب میکنند اینست که اولاً پنجاه ساله
باشند و ثانیاً اقل از بیست تومان مالیات ملک داشته باشند
و ایشانرا رعایا خود معین میکنند و اشخاصیکه از این امر مستثنی
و منتخب این بار نمیشوند کسانی هستند که اولاً در ادارات
از جانب دولت شغل و منصب داشته باشند و ثانیاً دیگر
از تحویلداران مالیات دیوانی باشند و ثالثاً آنکه در جهت تنش

معماران و بازارهای دفترخانهٔ حاکم باشند و بر مشیران است هر سال به
تقسیم مالیات کنند و اگر صلاح بدانند کم و زیاد نمایند و معمارجی
هر حاکم برای ولایت میکند رسید که نمایند و میتوانند بلاواسطه
امور ولایت خود را به وزیر داخله عرض کنند و چون وکلای
ولایات باید منفعت ولایت خود را مناسب ملک و موافق
انصاف ملاحظه کنند و آنچه در معماریها و راهها و غیرها در ولایت
ایشان خرج میشود باید بصلاح و صوابدید ایشان باشد و صلاح
و صوابدید ایشان معروض پادشاه و وزیر داخله گشته مدون
آنکه تغییر دهند یا منقلب میشود و یا مرد دیگر از مشیران مذکور بعد
هر قراری که جز در مجلس خاصهٔ ایشان مقرر شود فایده ندارد و پادشاه
مختار است که هر وقت بخواهد مشیران را معزول نماید و حکومت
کلیهٔ ولایت بچند حکومت جزئیه منقسم میشود مثلاً که
در بلوک حاکمی تعیین میشود و آنها هر در بلوکات حاکم میشوند
نایب الحکومه میباشند و نایب الحکومه در میان حاکم و کدخدایان

دهات واسطه میباشد و نایب الحکومه نیز مشیران چند دارد
که رعایا تعیین مینمایند و مدت مشیری ایشان نه سال است
و در هر سالی نصف ایشان را تبدیل مینمایند و مشیران بلوک
مطابق حکم مشیران حاکم کل قرار در ولایت میگذارند
در رعایا که تخفیف در ولایت خود بخواهند هرگاه مصلحت بدانند
عوایق ایشان را بدولت میرسانند و نیز آنچه در برای راهها
و کشتیرانی مصلحت بدانند بدولت معروض میدارند و نیز میتوانند
آنچه از بعض ولایت خود لازم میبینند با حاکم برسانند و هر دهکده
نسبت بحکومت خود قرار داد مخصوصی دارد و در دست کدخدا
دیگر نایب کدخدا و دو نفر مشیر میباشند و هر یک از دهات
املاک مخصوصه دارد که باید مورد توجه داشت مثل کلیسا و کوچه‌ها
و میدانها و جاده‌ها و عمارت کدخدا یا املاک دیگر هر با اجاره میرسد
مانند بیشه و مزرع و مرتع و املاکی که به دهکده اختصاص دارد
در زد حال پردن نیست یا با اجاره میرود و یا بمصلحت اهل ده

در میان ایشان به نسبت شأن بلکه باندازه خانوار منقسم میشود
و مداخل از دهکده حاصل میگردد و بمخارج دهکده میرود
از این قبیل اول جزوی مالیاتیست که وزیر محاسبات علاوه
بر مالیات دیوانی برای مخارج دهکده معین کرده است
دویم بعضی مالها که بر چیزهای خود برعایا میگذارند سوم
وجه اجاره انبارها و بازارها و دروازه‌های دهکده چهارم
آنچه از فروختن آب و سرگین حاصل میشود پنجم
جرایم و جنایتهائیکه میگیرند ششم جوبهائیکه از زمینها
فراگرفته میفروشند باری چیزهای دیگر هست که ذکرش
موجب تطویل میشود و مخارج دهکده از این قبیل است
مثل تعمیر عمارت کدخدا و کاغذ دفتر کدخدا و مواجب
تحویلدار مالیات دیوانی و مواجب دشتبانان و مواجب
محتسب و اخراجات افواج ریتی و اخراجات مکتب خانه
و زیادتی مخارج را که کلیسا و کنشتخانه پیش از آنچه دولت میدهد

بهم

بهم میرسانند و سنگ فرش کوچها و میدانها وغیرها و این مداخل
و مخارج با تفتیش و نظارت کدخدا انجام میگیرد و کدخدا باید
در آخر سال حساب مخارج و مداخل خود را بعرض حاکم ولایت
برساند ولکن چنانچه مداخل دهکده کمتر از ده هزار تومان است
حاکم ولایت مختار است که با مخارج سنجیده صحه گذارد ولکن
چنانچه بیشتر است احتیاج بصحه وزیر داخله دارد و هرچه را که ده
بخواهند بواسطه کدخدا بخرند و هر وقت بیش از پانصد تومان است
بصحه حاکم رسیده انجام میگیرد ولکن چنانچه بیشتر است باید بصحه وزیر
داخله برسد و هر وقت در دهکده املاک خالصه است و دولت در
فروش آن مصلحت بداند باید هراج کنند و اگر احیاناً
املاک مذکوره را اجاره دهند و مدت اجاره بیشتر از پنجاه
سال نباشد صحه حاکم کفایت میکند و هرگاه بیشتر است بصحه وزیر داخله
برسد ولی باید دانست که در هر دو صورت املاک مزبوره
کدخدا بطور هراج اجاره میدهد ولکن اهالی دهکده بخواهند

از بعضی دهکده ها بالائی گشتند که بیشتر از سه هزار تومان خارج
نداشته باشند بصحه حاکم پرداخته میشود ولکن از سه هزار تومان
بیشتر بصحه وزیر داخله ساخته میگردد و در واقعه اهالی
با اهالی دهکده دیگر روی دهند کدخدا و نایب کدخدا که امور
دهکده مفوض بایشان است وکالت دارند که تمام کنند
و آن کسانیرا که اهالی دهکده بکدخدائی و نیابت کدخدا
انتخاب میکنند کو اهالی دهکده بیشتر از سه هزار نفر باشند
بصحه حاکم ولایت قبول می شوند ولکن چنانچه بیشتر باشند
باید بصحه وزیر داخله برسند و نایب کدخدا باندازه اهالی دهکده
تعیین میشود یعنی اگر اهالی دهکده دو هزار و پانصد تا ده هزار
نفر باشند دو نایب میخواهند و هرقدر بیشتر از بیست هزار
باشند بر هر بیست هزار یک نایب می گمارند و فایده
نایب کدخدا اینست که هر وقت کدخدا حضور نداشته یا
کارهائیکه متصدی بعهده او متعرض شود و اشخاص دیگر نتوانند انجام

کدخدا و نایب کدخدا باشند مانند قاضیان و کسانی که هستند
و در عدالتخانه میباشند و یا آنکه در تحت ریاست دینی درم
و یا آنکه اهل نظام و حاضر رکاب میباشند و یا آنکه مهندسین
دولتی و تحویلداران مالیات دیوانی و معلمین مدارس و محتسبین
باشند باری هرکس که در حکومت حاکم و نایب الحکومه حاضر است
نیز نمیتوان کدخدا و نایب کدخدا کرد و هر قصبه که پنجهزار
رعیت داشته باشند یک محتسب لازم و در شهرهائیکه صد هزار نفر
یا بیشتر جمعیت داشته باشند هر ده هزار نفر یک محتسب دارد و در
شهرهائیکه صد هزار نفر یا بیشتر جمعیت داشته باشند کمتر در عهده
احتسابیات لازمست و سایر محتسبان با و سپرده شده نیز
و کارهائیکه مخصوص محتسبین میباشد اینست که شهر را از دزد محفوظ نگهدارند
و بعضی مردم را از حرکات زشت منع کنند و خانه ها و کوچه ها
و محله ها را از کثافت پاک نمایند و نگذارند چیزی مانع
عبور و مرور خلق شود و مردم تذکره بیند اشتد و جاهائیکه

زنان رعیت میباشند و در زیر حمایت دولتند منظم دارند و عمارات
دولتی را متعهد شده نگهدارند کسی خلاف رسم حرفی بسازد که کدخدا
پاسبانی مزارع و مراتع و بیشه را یک نفر دشتبان
که خود معین میکند و انگهدارد و تکلیف کدخدا مجتبی دهکده میباشد
و لکن نمیتوانند جزئی نزاعی که در مابین رعایا روی میدهد بما
لی آنکه مرافعه دعوی که انجا بر اصلاح می آورد و نیز کدخدا باید
در دهکده هر کس عروسی میکند و یا بمیرد و یا تولد میشود در دفتر
دولتی خود ضبط نماید و هر وقت لازم شد متوقعین سربازان سعی
بکمک خود بخواهد و نیز باید هر حکمی که از دولت صادر میشود
و حاکم ولایت باید بر سایر رعایا را اعلام نماید و هر چه
با مور دهکده متعلق است از مخارج و مواجب باید از عهده برآید
و دیگر آنکه مواجب هر وزیری سالی هشت هزار تومان میباشد
مگر وزیر لشکر که هزار تومان علاوه دارد یا وزیر امور خارجه
که چهار هزار تومان علیحده میگیرد و ایالت هزار تومان و چهار هزار

دهات

که باین دو نفر داده می شود بجهت مخارج مهمانی میباشد و لیکن جمیع
وزرا آتش و چراغ و اسباب خانه و عمارات درخور احترام
و کاغذ و قلم و بعضی چیزهای دیگر از دولت داده میشود و در هر
وزارتخانه یک کتابخانه مخصوصه با روزنامه که در دولت چاپ میشود
و یک کتاب خاصه آن وزارتخانه میباشد و هر یک از وزرا
مهری علیحده دارند که بر پاکت مراسلات میزنند و باید در هر
وزارتخانه آنچه مکاتبات و مراسلات که نوشته میشود
و یا با کتاب نویسند که نگاه داشته شود

و آنچه متعلق بامور وزیر عدلیه و دینیه میباشد باین تفصیل است

اول آنکه در دفترخانه وزیر مذکور دو دفتر دارد خاصه میباشد یکی
امور عدلیه و یکی امور دینیه دوم آنکه صد و سه نفر در امور
عدلیه مداخله میکنند و منقسم باقسام چند میشوند و در قسمت
اول یکنفر منشی باشی میباشد و در قسمت دوم چهار رئیس دفترات
و یکی ضبط اسامی کسانیست که در وزارت عدلیه

مداخله میکنند دیگر تعیین نشان عرایض مهم است با منصب مهرداری
دیگر تحریر تعیین رسیدگی کردن بکارهایی است که در عدالتخانه در تنبیه
صادر میکردند دیگر تعیین اعلام کردن عفو پادشاه است دیگر تحریر
برای نگارش محاسبات خدمتگذاران وزیر عدلیه و مواجب
ایشان میباشد و باید دانست که منشیان و دفترداران در خدمت
اطاعت این چهار دفتردار میباشند بیست و هفت نفر
و مخارج سالیانه این صد و سه نفر قریب پنجاه و هشت هزار تومان
میباشد و اند فردر قاعده که بعضی امور دخیله میان پنجاه و شش نفر
یا بیشتر دفترداران و چهار تا تابان وزیر دفتر و چهار تا منشی باشی و مخارج
این پنجاه و شش نفر قریب بیست و پنج هزار تومان میباشد دیگر کارهایی که
در عهده منشی باشی امور عدلیه میباشد از اینقرار است نگاه داشتن
کتابهایی که در وزارت عدلیه کارگذارند و صحیح نگذاردن تقاضاهای
و احکام مرافعات و نگاه داشتن اصل فرامین و احکام دولتی است
با مصلحت منشیهای دیگران و کتابچه کردن جمیع احکام دولتی است

وتکالیف

وتکالیف رئیس ضبط اسامی باین تفصیل است
ثبت کردن اسامی و حساب مواجب قاضیان و عدلیه‌های
مختلفه را با مخبرین و عزل و نصب کردن صاحب منصبان عدلیه می
وتکالیف رئیس نوشتن عرایض مهم اینست که احکام صادره
از عدالتخانه‌ها که باشخاص عالیه متعلق میباشند ایشان را اعلام کند
و اگر احتیاج بعدالتخانه جدیده شود برپا کنند دیگر اعلام
از حکمی که در عدالتخانه‌ها صادر میشود اخبار نماید و اهل خارجه را
برعیتی فرانسه قبول کند و نیز کسی را که رعیت فرانسه بوده‌اند
و خارج شده‌اند و حالا دوباره بخواهند رعیتی فرانسه را
بپذیرد و کسانی را که از اهل فرانسه باشند و بخواهند در دولت
دیگر نوکر شوند اذن دهد و کسانی را که هنوز سنی که بعقد عروسی
کردن ایشان مقرر است نرسیده اند و باقتضای مصلحت بخواهند
عروسی کنند اذن دهد و نیز کسانی که بخواهند رجوع اسمی
شوند و یا اسم خود را تغییر دهند رخصت دهد و احکام

در فرانسه رسم است
هر مرد بسن بیست و پنج
زن نمیکند و دختر تا سن
شانزده بشوهر نمیدهند
[illegible]
۱۴

دفاتر منسوبه بان وزارت را مهر کند و تکالیف رئیس احکام
صادره از عدالتخانه که مخصوصه چیزتر است باید رسیدگی نماید
این است که خود در مرافعه گناه کنند و خطاکاری دخیل شود
و مرافعات عدالتخانه‌ها بر سر و احکام عدالتخانه‌ها را انجام دهد
و قضات را عزل و نصب کند و مرافعات چاکران دولتی
رسیدگی نماید و فهرست مرافعات عدالتخانه‌ها را نگاه دارد
و حساب مخارج عدالتخانه‌ها را ضبط نماید و هرگاه پادشاه گناهکار را
بخشد و یا در تنبیهش تخفیف بدهد تکالیفها را بیان نموده و موافقه را از عدالتخانه
اول بدوم و از دوم بسوم و پنجم بالجمله فهرست مرافعات و تعهدات
دول خارجه را یعنی آنکه دول خارجه چه قسم مرافعه میکنند و آنچه بنماید
نگاه دارد و خدمات رئیسی و هم محاسبه مواجب چاکران وزارت عدلیه
باشد این است که روزنامه‌های احکام و عدلیات را باز بنماید
و همه را خرجینه عدالتخانه‌ها رسیدگی نماید و مواجب اشخاص متعلقه را
که در آن وزارتخانه خدمت میکنند بپردازد

و تکالیف

[illegible]

و تکالیف جمعیه پیرگشته اند در زمانی که چیزی شده‌اند یا اطفال این است و طبیعه
القصه باید به عدالتخانه‌های متفرقه رسیدگی کند و هر کاری را چه که
باید روش بید انجام دهد و کارهائیکه در عهده دفتردار خاصه
و آنچه متعلق آن اوست میباشد باین تفصیل است نگاه داشتن
سواد نوشتجات و احکامی است که نسبت بدین از دولت
یا پاپ به بزرگان و پیشوایان صادر میشود و منصب دادن
دادن کمک به آنها که بخواهند چیزی وقف کلیسا کنند و نگاهداری
کردن فهرست مدرسه‌ها و مأمورین کلیسا و رسیدگی کردن
به مرافعه کسانی که از حرکات زشت کشیشان شکایت کنند
و شکستن قبرهائی را که دولت در خاک کردن مردگان است
در کلیسا و قبرستان شهرها کرده است و تعمیر نمودن یا بنا کردن
کلیسا و مدرسه دینی را و نگاهداشتن محاسبات متعلقه بمواجب
کشیشان است و آنچه متعلق بوزیر امور خارجه میباشد
باین تفصیل است بدانکه این وزارت منقسم

[illegible]

بچهار دفترخانه میشود اول بجهة پرداختن بامور دول خارجه دوم بجهة
رسیدگی کردن بکارئی تجارتی سوم بجهة عهدنامهها و سایر
نوشتجات دولتی را چهارم بجهة اخراجات و محاسبات
متعلقه باین وزارت از مخفی و ملا که کارپردازان در وزارت
امور خارجه هشتاد نفر میباشد و از ایشان چهار نفر رئیس دفترات
باشند نایب و هشت منشی باشی و مخارج این اشخاص قریب
بهشتاد هزار تومان میباشد و در دفترخانه اگر چه امور خارجه میباشد
یک دفتردار خاصه میباشد و باید دانست که در آن دفترخانه
که بجهة پرداختن امور دول خارجه میباشد یک دفتردار با
و نیز یک دفترخانه علیحده برپا کرده اند که اختصاص بامور ینگی دنیا
و هند و ژاپون دارد باید در این دفترخانه جمیع نوشتجات امور
دول را با تجارتی که هندوستان و چین و ینگی دنیای
شمالی و ینگی دنیای جنوبی و ممالک افریقا غیر از
مملکت عثمانیه و مراکش نسبت دارد انجام دهد

و در دفترخانه

و در دفترخانه ششم بجهت نگاهداشتن عهدنامهها و سایر نوشتجات
دولتی است امور را که باید باتمام آورند باین ترتیب است
نگاهداشتن و مرتب ساختن جمیع نوشتجات سفرا و نسبت بسفارتخانه
و جمع کردن عهدنامهها و سایر نوشتجات دولتی و تذکره دادن
باهالی سفارتخانه و صحه گذاردن نوشتجات دولتی را و رسیدگی
کردن بعرایض مختلفه که مردم در آن سفارتخانه دارند و رسانیدن
عهدنامهها و شرایط دول خارجه را بسفرا و انجام تشریفات و تکلفات
سفرا را چه در داخله و چه در خارجه و معین کردن باینطور که فلان
نفر استدعای حضور را دارد
و در دفترخانه هفتم که بجهت پرداختن اخراجات و محاسبات
متعلقه باین وزارت میباشد کارپیشگی و معین کردن مخارج و مواجب
اهالی سفارت و غیرهاست
و آنچه متعلق بوزیر هر رس میباشد باین تفصیل است
نگاهداشتن روزنامههای مجلس شیران هر رس را و قبول یا رد کردن

در ضبط کتابخانه دولتی کتابی را که تازه چاپ کرده اند و معین نمودن
معلمین بزرگ یا کوچک سو در مدارس مختلفه و رسیدگی کردن
بدرس و نظم مدارس و اجازه دادن بشاگردانی که امتحان شده اند
و اذن دادن بکسی که بخواهد مدرسه بسازد و یا طبابت کند
معین کردن مخارج مدارس را با مواجب معلمین و غیره و تعیین
نمودن شاگردان چند را که امتحان شده باشند اجازه
انتهائی داده شود و وظیفه بخشیدن بمعلمینی که پیر شده اند و تعمیر
یا بنا کردن اطاقهای مدارس را و مقرر داشتن مخارج مدارس
و مکتب خانه‌ها و ضبط کردن فهرست اسامی کسانی که
در هر ده و بلوک بتعلیم اطفال اشتغال دارند و انجام دادن
امور مربوطه بکتابخانه‌های بزرگ یا کوچک و تعیین نمودن
مخارج کتابها و دانایانی را که بجهت تحقیق علوم مختلفه در دول
خارجه سیاحت میکنند و معین کردن مخارج اشخاصی که
در دول خارجه بعضی جزئی متعلقه بعلم انتخاب مینمایند

[illegible]

واینچه متعلق بوزیر داخله میباشد اینست

و در غیر وزارتخانه بغیر دفترهای مخصوصه وزیر داخله و نایب او
هفت دفترخانه دیگر میباشد و هر دفترخانه یک رئیس دارد
و یک خزینه‌دار و بیست و شش منشی باشی و سی و شش منشی در تحت
اطاعت آنها میباشند با صد و پنج محرر و مواجب این اشخاص
قریب بهشتاد هزار تومان است و علاوه براین قریب چهار هزار
تومان بجهة انشینک آقایان و خدام دفترخانه‌های این وزارت
مقرر کرده اند و قریب سی هزار تومان دیگر بجهة فراهم آوردن
اسباب دفترخانه‌ها با ده هزار تومان بجهة انعام دادن بکارکنان
قدیمه میدهند و در دفترخانه وزیر داخله و نایب او عزل
و نصب ولایات و نایبان و شیران آنها و انجام میکردد
و کسانیکه کارهای بزرگ کرده اند احسان میشود و نشان بخشیده میشود
و معین میشود که زنها و اطبا کی نباید بر مریضها یا جاهلها
کوران و کران و مفلوجین بروند و اذن دهند و مخفف

همه درین وزارتخانه کارهای متعلقه برئیس دفترخانه اول این است
که تعیین کردن وکلای رعیتی است در دیوانخانه انجام امور و تشخیص
معمول شیراز خاصه است با شیراز و ولایات باتمام آورده
اوقات نشست و برخواست اشخاص مذکوره است در مجالس
هر باید که کارهای مرجوعه خود برسند معین نماید و بامورکه
رسیدگی کنند و مواجب کسانی را که باین وزارتخانه منسوبند
مشخص نماید و فهرست مخارج اسباب و عمارات دفترهای
حکام و ولایات است که ... و امور اصلاح رعیتی را ساخته
و پرداخته نماید و شمار خلق مملکت است معین نماید و هر وقت
مقتضی شود خدام این وزارتخانه است معزول کنند و خارج
کسانی را که در امور نظر ... باشند ثبت کند و ... دیگر
های اصلاح رعیتی مشخص کنند و کارهای متعلقه برئیس دفترخانه
دوم از این قرار است تعیین کردن محبس هر ولایت است
با کارهایی که در عهده آنهاست و تذکره دادن کسانیکه

ژاندارم سوار ... احتساب است و در ایران چنین ... نیست

خارجه میرود و انجام دادن امور سوارانی که در فرانسه ژاندارم
و در ایران غلام میگویند و تعیین پاسبانی مملکت معین میکنند و ...
دادن ... که بخواهند اسلحه بپوشند و یاری کردن اشخاص است
... خارجه ... و یاغی شده بفرانسه آمده ... خفیه
کردن چاکران قدیمه دولت است که در خارجه توقف کنند
و کارهای متعلقه برئیس دفترخانه سوم باین تفصیل است
نگاه داشتن نوشتجات دولتی و ولایتی و ساختن احکام مملکتی است
و رسیدگی کردن بامور ... احکام و انجام دادن امور جاده‌ها
و راهها و پلهاست و بنا یا تعمیر نمودن در هر ولایتی عمارات دولتی را
غیر از وزارتخانه و سرکشی نمودن بکار معماران و معین کردن مخارج
ولایات است با ... دیوانی
و کارهای متعلقه برئیس دفترخانه چهارم از این قرار است
پرداختن امور ... است ثبت ... و معین کردن اوزان
... دادن خرید و فروش املاک خالصه است

تعیین نمودن کارها و بناهای منسوبه به دهات شهر و برقرار کردن

تازه و صحه گذاردن مخارج افواجی را که در ساخلو میباشند و نگاه

محاسبات مداخل و مخارج دهات شهر و معین کردن مالیات دیوانی

و اجاره دادن املاک خالصه را و حکم کردن بفروش بعضی

املاک بجهت استقامت یا وسعت جاده و مشخص نمودن

مخصوصی را بجهة فروش کوچها و راهها و باتمام رسانیدن [illegible]

کوچهای پاریس و سایر شهرها و پرداختن اموری که به صحت

پروردن کودکانی دللة که آورده بر سر راه می اندازند نعش اطفال

آورده در خانهٔ مخصوصی که دولت بعضی اشکوبه کودکان ساخته است

میگذارند و منظم داشتن مهمانخانهای مساکین شهر با تدابیر دیگر در دفع

گدائی و رسیدگی کردن بمریضخانها و منضمات آنها

و کارهای متعلقه رئیس دفترخانهٔ پنجم باین تفصیل میباشد

رسیدگی کردن بزندانخانها و نظم و قاعده و زندانهای

مختلفه و سرکشی نمودن بزندانخانها و تحقیق شدن مخارج زندانخانهای شهر و

نگاه داشتن حساب مخارج زندانخانها

و کارهای مرتبطه برئیس دفترخانهٔ ششم باین قرار است

انجام دادن امور مدارس فرانسه را با مدرسه که دولت فرانسه

در رومه که یکی از شهرهای ایطالیا است دارد و رسیدگی کردن بمدارس

نقاشی و سایر صنایع پاریس و شهرهای دیگر و باتمام آوردن

امور موزه‌های شهر پاریس و سایر دهات شهر با مخارج آنها و ساختن

عمارات دولتی را با اصطخر و چشمه سازی و خریدن پردهای

نقاشی و سکوکات قدیمه و شکلهای از سنگ و چوب ساخته

شده و جستجو نمودن هرچیز قدیم و پرداختن بامور تماشاخانهای

شهر پاریس و سایر شهرها با مدارس موزیکانچیگری و رسیدگی کردن

بچاپخانها و روزنامها و جمع کردن کتبی را که چاپ میشود نزد

برای کتابخانها و غیرها و کارهای متعلقه برئیس دفترخانهٔ

هفتم باین ترتیب میباشد فهرست کردن حاصل زراعت

و صناعت هر ولایت از مملکت فرانسه را و حکم کردن

اینکه چقدر اهالی هر جائی از برای ولایت خود خرج کنند
وپرداختن محاسبات هرساله مخارج ومداخل هر ولایتی
از ممالک فرانسه را واذن دادن اینکه مواجب هر کس
داده شود یا حواله کردن بروات دولتی بود در هر جا

واینچه بوزیر زراعت وتجارت دخلیت دارد

باین تفصیل میباشد اشخاصی که در این وزارت مشغول خدمتند
هرشان درمرتبه صد وچهل چهار نفرند ومواجب اینها
قریب بپنجاه هزار تومان است بغیر سه هزار تومانی که مواجب
ایشک آقاسیان ودربانان وخدام دفاتر میباشد ونیز
علیحده قریب یازده هزار تومان تعیین وظایف جاکه اینکه
در این وزارت طول خدمت دارند مقرر داشته اند
ونیز قریب بده هزار تومان تعیین اسبابی که در دفترخانهای
این وزارت لازم است معین کرده اند وعلاوه بر دفترخانه
خاصه وزیر زراعت وتجارت بابابی که دارد چهار دفترخانه

یکی ازانها اول که بزراعت واهالی که از برای کشیدن راهها
میباشد نسبت دارد اینست تدبیر کردن در قواعد زراعت
ورسیدگی نمودن بدرستی که در این قواعد میباشند بترقی دادن
زراعت وخشکانیدن وکاشتن اشجار وبناتاتی که در خارج
یافته اند ومنظم داشتن امور مدارس بیطاری ومتوجه شدن بتعالیم
که از هر جا گاو وگوسفندان آورده در اینجا ها کرده اند که تا
گاو وگوسفندان را فراوان نمایند وانعام دادن باشخاصی
که در تمام کردن حیوانات موذیه تدبیر میکنند واعمال
کردن کسانیکه در ترقی زراعت وقت مینمایند
وپرداختن بامور هائیکه اسبابان خاصه تخم گیری میباشند
وتقسیم نمودن خرید وفروش اسبابان را باطراف واعلام
بخشیدن بکسانی که بحق تدبیر جنس اسبان را نیکو میکنند
دوم که تجارت داخله نسبت بآن است ودر
گذاردن امور صراف خانهای مختلفه وپرداختن بامور

های گمرکها دریائی و منظم داشتن بازارهای مکاره سوم
با بندرات و فهرست کردن اعمال تجارتی سوم جمیعاً
از خرید و فروش و قرار دادن در صنایع و کارخانها و چون
بامور صنایع و کارخانها و انعام کردن کسانیکه اصحاب صنعتند
بجهة ترقی و صنایع و قاعده دانستن بهای آن در غله و فهرست کردن
حد کردن حد و نقل غله را از خارجه و داخله و قرار دادن
معابر و بازارها سوم با تقرر داشتن هایات و انتظام بخشیدن نقصانیها
و رسیدگی کردن بامور خبازان و قصابان و بقالان و امثال
ایشان مانند نرخ فروشان و غیرها و تدبیر کردن در زیادتی
آذوقه اهل پاریس و پرداختن بامور کردن ایمنی و فهرست
کردن امراض و اسقام مملکت سوم که در چه پایه و اندازه میباشند
و مواظبت کردن در کوبیدن آبله و انتظام دادن در امور
اطبا و جراحان و تدبیر کردن در صحت و سلامت رعایا
و نظم دادن در کارخانهای صحت ان سوم مبدل برحس

میسازند و رسیدگی کردن با طفالی که در کارخانها اشتغال دارند

سوم که تجارت خارجه نسبت دارد بان تفصیل است

تدبیر نمودن در زیاد شدن تجارت دولت فرانسه را
با دول خارجه و عهد بستن در تجارت و کشتیرانی و معاملات
و قرار نهادن در گمرک و جمع کردن نوشتجاتی را که صحیحند
برسوم تجارت در خارجه میباشند با جستجو نمودن از چگونگی بد
و بنک گمرک و کشتیبانهای ممالک خارجه

چهارم که بحساب مطلق نسبت دارد این است

کفالت اشتغال انتخاص را با این وزارت خدمت میکنند احسان موجب
با وظایف کسانیکه در این وزارت خدمت کرده اند
و یاری نمودن رعایائی را که از آتش و تگرگ و سیل و غیره
ضرر برده اند

و آنچه متعلق بامور وزیر معماریهای دولتی میباشد این است

پوشیده نیست که این وزارتخانه هشت دفترخانه منقسم میشود

و هر یک رئیسی دارد با سی و چهار منشی باشی و صد نفر منشی و از این
اشخاص یک نفر نایب وزیر است که با چهار نفر از منشیان
خاصه شغل کارگذاری می‌نمایند و مخارج این اشخاص قریب به پنجاه
هزار تومان می‌شود بغیر سه هزار تومان که بجهت [illegible] قاپیان
و دربانان و خدمتکار آن دفاتر این وزارت و دفاتر تعلیم وزارت
مقرر است و نیز ده هزار تومان دیگر جهت وضع و فراهم آوردن اسباب
و آلاتیکه لازم وزارتخانه مذکوره می‌باشد هم مقرر

و اموریکه نسبت برئیس دفترخانه اول دارد این است
پرداختن امور و تعیین کردن معلمین و تقسیم نمودن متعلمین بسوی
در مدارس و متصدی معماریهای دولتی شدن بخصوص پل ساختن
و راه ترتیب دادن با منحصر کردن مهندسین معماری و کسانیکه مشغول
ساختن پل و پرداختن راه می‌باشند و معین کردن شهران بسوی هر ساله
در هر ولایتی بجهت تشخیص مخارج کارهای متعلقه بمعماری را
و انجام دادن امور مدارس معادن بسوی با تعیین کردن معلمین

امور بزرگ که نسبت بمعمار
دفترخانه ساختن پل و دلوکش
راه می‌باشد و بعضی جهت
پل ساختن و راه ساختن
میگویند و سایر معماریها بسوی
اراده میشود
۱۲

و تعلیم

و تقسیم نمودن متعلمین و اجاره اسامی دادن ثبت کردن و معین کردن
سرکرده و کشتیبانان با تعیین بعض اشخاص چند نفر با سایر بسوی آنها
و اموریکه نسبت برئیس دفترخانه دوم دارد از تقسیمات
معین کردن جاده‌های بزرگ بسوی از جاده‌های کوچک و تشخیص نمودن مخارج
ساختن و تعمیر راهها بسوی و تقسیم کردن پولیکه دولت بجهت آنها معماریهای
هر ولایتی میدهد و انجام رسانیدن احکامی که درباره جاده‌ها میباید
و قرار دادن درعرض درهائیکه در آن راهها نقل اجناس تجارتی میکنند

و اموریکه نسبت برئیس دفترخانه سوم دارد با این تفصیل میباشد
قرار دادن در شغل رودخانه‌ها و قابل کردن رودخانه‌ها بسوی بعضی از آنها
شعاین و ساختن و تعمیر نمودن بندرات و بند ساختن بجهت سیلاب
و پرداختن کارهای متعلقه بکشتیبانی در دریا و شمع افروختن
بر سواحل دریا با تحقیق مخارج آنها و بند بستن بر دریا با ترتیب
دادن رودخانه‌ها بسوی بجهت عبور و مرور شغل

از ترتیب تعیین کردن آنکه
جمیع عوارض بجهت بهبودی میرسد
دریاها و جوی‌ها چقدر
وسعت دارند و چقدر نیست
بجهت آنکه جمع باید
دادن عوارض که ممکن است راهها بسوی
مراتب بنام مر
۱۲

وامور یکه نسبت برئیس دفترخانه چهارم دارد این است
پرداختن بامور رودخانها سوکه نتوان کشتی راند و قرار دادن
در کارخانهائیکه بآب میگردد با معین نمودن جای آنها را
و خشک کردن مرداب و قرار دادن در آبیاری مزارع

وامور یکه نسبت برئیس دفترخانه پنجم دارد اینست
معین کردن آنکه چه باید بسته آهن ساخته شود باتمام دادن کارهای
متعلقه بآن و صحه گذاردن بمعاملاتیکه در بسته آهن شده و رسیدگی
اسباب و آلات بسته آهن با نظام در آن بسته

وامور یکه نسبت برئیس دفترخانه ششم دارد از این قرار است
جستجوی معادن و اجاره هر یک و سرکشی کردن بمعادن پس از انتظام
و رسیدگی نمودن بکارهای کارخانهای آهنی و نگاهداشتن کسیکه
در علم معدن کار نیز یافته و تعیین کردن نقشهای معادن مملکت
فرانسه و جمع کردن نمونه از هر معدن

وامور یکه نسبت برئیس دفترخانه هفتم دارد اینست
مصلحت دیدن در بنای بعضی عمارات دولتی و ساختن عمارات
جدیده و تعمیر کردن عمارات قدیمه و رسیدگی کردن بامور معماران
و سرکاران و بازدید کردن مخارج بناها و فهرست معماریهای
دولتی و سرکشی کردن بادفاتر معماران

وامور یکه نسبت برئیس دفترخانه هشتم دارد باین تفصیل است
رسیدگی کردن بکارهائیکه در عهده مهندسین پلها و راهها میباشد
بامور مهندسین معادن و نگاهداشتن محاسبات متعدده طایفه اشخاص
که طول خدمتی دارند و نگاهداری کردن خزاین و دفاتر ادارات

وامور یکه نسبت برئیس دفترخانه نهم دارد اینست
جستجو نمودن و جمع کردن جمیع صنایع که نسبت به سکوکات
رایجه در فرانسه و مشخص کردن کم و زیاد مخارج حمل و نقل اجناس که
بکشتی و یا بسته آهن و یا عراده و پیدا کردن قواعدی که در کشتی و
آهن بیشتر منفعت دارند و ترجمه کردن نوشتجات دول خارجه

در مطالب مختلفه

وآنچه متعلق بوزیر لشکر میباشد باین تفصیل است

و وزیر مذکور سه یک نایب است باسه رئیس دفترخانه و دو نایب
رؤسای دفترخانه و نیز دو رئیس دیگر دارد که مخصوص امور توپخانه
ومهندسی میباشند واین رئیس سه نیز دو نایب است و بیست و شش
منشی باشی بابی و هفت منشی بالجمله در این وزارتخانه از همه جهت چهارصد
پنجاه نفر خدمتگذار زیر دو قریب بصد و هشتاد هزار تومان مخارج این
میباشد بغیر ده هزار تومان که بعضی خدام ایشان مقرر داشته اند
بابت هزار تومان اسباب که بعضی آن وزارتخانه معین کرده اند

وامور یکه بنایب وزیر لشکر متعلق میباشد این است

همه نوشتجات سه اتامارژوری و پایه نظام و سولدات نظام را جمع کرده
ترتیب دهد ومخارج چاپ کردن روزنامهای لشکریرا از عهده بعد
وصاحبمنصبانی راه بخواهند در غیر نظام خدمت کنند قبول
نماید و فهرست اسامی صاحبمنصبانی سه که وفات یافته اند

و یا از خد

و یا از خدمت استعفا کرده اند و یا معزول شده اند نگاه دارد
واسامی سربازانی را که [illegible] اند ضبط نماید و جمیع نوشتجات انتظام سه
صحه گذارد و امور قلیچ خانه سه که ایل وزران و [illegible] میکوبند
انجام دهد و با کفن نظامی مواجب و انعام دهد و صاحبمنصبانی
هر در جنگ و غیره اسباب خود را گم کرده تاوان دهد

وامور یکه نسبت برئیس اول دارد این است

حکم جنگ دستخط با افواج و متعین کردن اماکنی سه لشکر ساخلو
میشوند و تعیین نمودن لشکرگاه و مشخص کردن منازل افواج سه
در هر سفری و براسله گذاشتن محکم نظام و غیر نظام که جهت انتظام
ولایات و معین کردن نشان و مرتبه هر یک از صاحبمنصبان
و نظم دادن با فواجی که در سفر یا ساخلو میباشند و خواستن سرباز
جدیده سه پس از آنکه تقسیم کرده معین نموده از هر ولایتی چقدر
سرباز بگیرند و پرداختن امور یکه به دوقسول سربازان
جدیده سه و سربازی متعلق میباشند و معین آنکه سربازان جدید

داخل کردن یکی از افواج شهر و قبول نمودن سربازان
دعوا طلب شده بسربازی و پذیرفتن سربازی هر یک از امور را
بجای دیگری و مرخص نمودن سربازانی که زمان خدمتشان
سرآمده است و لذا ندادن سربازی شده که بخلاف عادت حرف
سرکشی کند و انجام دادن کارهای صاحبمنصبان بزرگ شده با جنجاله
اتامازوری و امور مدرسه پلیتکنیک و مدرسه نظامی
سن سیر با سایر مدارس نظامی دیگر و باز دید کردن پایه
و سولدا نظام شده هر ساله و معین کردن افواج چند برای
جنگ و قرار دادن در خدمات اهل نظام چه در سر حلقه
باشند و چه در جنگ و رسیدگی کردن بمرافعه و تنبیه سربازان
و بخشیدن تنبیه سربازان و سرکشی کردن بامور سربازانی
که در زیر تنبیه و یا در زندانند بگناه زود رو باز داشته شده اند
و پرداختن بامور علاقجات و انجام دادن کارهای اتاکین را
هر کسی که بجهت سولدا نظام و یا توپخانه حمل داده و سپاهیان است

پلیتکنیک مدرسه ایست که
هنا پلیون ساخته است در آن
کمتر از چهارصد شاگرد نیست
و با آنکه در مدرسه نور
بیشتر تحصیل علم نظام
میشود در سایر علوم
نیز گفتگو میمانند
۱۲

وخریدن

و خریدن قاطر و سایر حیوانات که بجهت لشکر و پرداختن
بامور بیطاران و مدارس بیطاری و کارخانه

در عهده رئیس دوم میباشد این است

انجام دادن ملبوس و ماکول سربازان شده با آنچه از زین و لگام
و نعل و غیرها اسبان ایشان شده است و معین کردن
بجهت عساکر بستر خواب و سایر لوازمی که در اردو ضرورت
بهم میرساند و منظم داشتن مریضخانهای نظامی و معین نمودن
رنگ و اندازه ملبوسات اهل نظام و خریدن
ماکول و مشروبی که از بعضی نظام لازم است و تدارک دیدن
علیق و آتش و چراغ لشکریان و رسیدگی کردن با حوال
کسانی که در مریضخانهای نظامی خدمت میکنند و گرفتن
حساب هر یک از عملجات مریضخانها شده و تدارک دیدن
حمل و نقل قورخانه و توپخانه و اسباب مهندسی و آلات
و ادوات حرب با اسباب سربازان چه در داخله و چه

در خارجه وچه در بحر وچه بر

و تکالیفی که در عهدهٔ رئیس دوم میباشد و اختصاص بآن جزیره دارد اینست

پرداختن بامور نظامی آن سرزمین با انتظام در حکومت نظام
و غیر نظام آنجا و معین کردن سرحدات آن مملکت و انجام
دادن کارهای متعلقه باعراب و با تعیین بزرگان آنان
و معین نمودن چاکران چند بجهة عدالتخانه یا خدمات دیگر
که غیر نظامی هستند و انجام امور دینی و مدارس الجزیره و با
جستجوی در تواریخ اعراب و کاوش در بناهای قدیمه
و پرداختن بامور محبسین آنجا با امور عدالتخانهای نظامی و غیر
نظامی و رسیدگی کردن بامور شرعیه اسلامیه اهالی الجزیره
و معین کردن بلدیات ولایات آن سرزمین و ساختن
دهات تازه با تعیین اماکن زراعت کاران فرانسوی
و اعطای بخشیدن مزارع چند بایشان و پرداختن بامور تجارت

خارجه و داخله اعراب و نظم دادن در امور غواصان مملکت
یعنی گرفتن مرجان و با تمام آوردن کارهای معادن و انجام هائی
در امور آبیاری با تعیین مخارج و مداخل آن جزیره و تعیین نمودن
باج و خراجی را که بایر یا غیان از عهده برآیند و محاسبه کردن
مواجب نظامیان فرانسه و اعراب

ساختن راهها و بندرات و با تعمیرات عمارات دولتی آن سرزمین و نظم دادن صح

و کارهائیکه در عهده رئیس چهارم میباشد و اختصاص بتوپخانه دارد اینست

منصب دادن صاحبمنصبان توپخانه و معین کردن اسباب اسبهای
توپخانه و پرداختن بامور مدارس توپخانه و قورخانه و گلوله ریزی
و باروت سازی با شوره سفید کردن و انجام دادن کارهای
موزهٔ توپخانه و رسیدگی کردن بتوپهای جنگ و تقسیم نمودن
قورخانه سو از باروت و غیرها و نظم داشتن امور کارخانه
چاشنی سازی و اذن دادن در حمل و نقل ادوات جنگ سو
از فرانسه بخارجه و معین کردن مخارج مختلفه لشکر سو

و کارهائیکه در عهدهٔ رئیس پنجم میباشد و اختصاص بمهندسی دارد اینست

رسیدن بامور مهندسین مختلفه و انجام دادن امور مدارس توپخانه
و مهندسین شهر پیش و سرکشی نمودن بقورخانه مهندسی و کفایه نقش
نقشه برجسته بتمام قلعجات جنگ فرانسه و غیره و انجام دادن
معماری و بنائی اماکن سربازان سوای قپه سربازخانه و قراولخانه
و غیرها و اجاره کردن زمینها بجهت میدان مشق و کارهای دیگر
لنگر و تعیین کردن سربازخانه در شهرهای فرانسه

و آنچه متعلق بوزیر البحر میباشد اینست که یک

نایب و شش رئیس دفترخانه با منشیان و نقاشان از هر مرتبه
دارد و مواجب این اشخاص مختلفه با اسباب اینوزارتخانه
قریب بصد هزار تومان است

و اموریکه در عهدهٔ نایب میباشد اینست

مکتوبجات این وزارت با بنادرات مختلفه مرقومت نماید

و با

و انتظام دادن و دفاتر صنایع و مواجب جات متعلقه بولایات خارج
از مملکت فرانسه که در تصرف فرانسویان میباشند جمع کردن بینگی

و اموریکه مدخلیت دارد برئیس اول اینست

مامور کردن صاحبمنصبان بحریه را در هر جائی از دریا که لازم شود
و معین نمودن کسانیکه نقشه دریاها را کشند با معلمین علم کشتی‌رانی
و پرداختن بامور مدارس دریائی و قبول کردن سربازان
داوطلب دریا نیز بسربازی و مواجب و انعام دادن بصاحبمنصبان
بحریه و مستحق شدن محبوسات عساکر بحری را در زمانی
که ساخلو میباشند و انجام دادن امور متعلقه‌های دریائی و فراهم
آوردن علامات کشتی و قرار دادن بلد نمایان چند بجهت
کشتیها و رسیدگی کردن بامور کسانیکه در دریا باسیری گرفته شوند
و نظم دادن در کشتیهای تجارتی و ماهی گیرها در دریا و در رود
خانه‌های بزرگ با انها و تقرر هر از رعو خانها آب شور است

چه در دوخانها هرچه آب شیرین است تعلق بوزیر داخله دارد
بالجمله قبول نمودن اهالی خارجه بتبعیت جهت لشکر دریائی در کشتی
بحریه وانبه و تعیین کردن سربازان دریائی را با زمان سان ایشان
و برقرار کردن توپخانه و قورخانه و عملجات و محبسین بجهت کشتی و تنبیه
تنبیه گناهکاران و سرکشی کردن بزندانخانهائیکه در بندرات میباشد
و تعیین کردن نقشه کشان دریائی و چاپ نمودن کتبی را که بسیاحات
بحریه نگارش داده شد و خریدن اسباب دریائی با دوختنی
که تعلق بکشتیبانی دارد

و اموریکه برئیس دوم مربوط است باین تفصیل است

ساختن هر نوع کشتی اعم از اینکه بادی باشد یا دودی و خریدن
اسباب تجار بجهت کشتیهای جنگی و نگاهداشتن حساب عملجاتی
که در بندرات یا جهازات مزدورند رسیدگی کردن
مأمور توپخانه و قورخانه بندرات و انجام دادن امور متعلقه
بتوپ سازی و گلوله ریزی کشتیهای جنگی و ساختن

بندهای دریائی را با بندرات و سایر عمارات بحریه و خرید
چوب وغیره بجهت ساختن کشتی و پرداختن هر نوع داد
و ستادی که در دریا بجهت آذوقه وغیره لازم است

و اموریکه برئیس سوم متعلق میباشد و مخصوص ولایاتی که از ممالک خارجه در تصرف دولت فرانسه در آمده از این قرار است

نظم دادن در ولایات مذکوره و بانجام آوردن قدغن که
در خرید و فروش غلامان سیاه شده است و مأمور کردن اشخاصی را
که باید بجهت دولت در دریا سفر کنند و پرداختن امور تجارتی
ولایات مذکوره سوای مقرر داشتن در هریک از آن اماکن
گمرکی و بپایان آوردن امور صناعت و زراعت و انتظام
دادن در امور عدالتخانهای آن ولایات و نگاهداشتن فهرست
اسامی کسانیکه در ولایات مذکوره میباشند و پرداختن
بامور مکتب خانها و مذاهب اهالی آن ولایات و منظم داشتن

ژاندارمها یعنی عده‌هائی که در آن ولایات نصب پاسبانی نموده اند
با عساکری که در آن ولایات تا حال جلو باز داشته اند و رسیدگی
کردن بمخارج عساکر مذکوره و منظم داشتن مداخل و مخارج آن ولایات

و آنچه بریاست چهارم مرتبط است معین کردن مخارج

جمیع کارهای دریائی و کشتی گیری میباشد

و آنچه بریاست پنجم متعلق است معین کردن وظایف

و مخارج کسانی را که در دریا خدمت کرده از کار رفته مانده اند
مثلا فلیج شده اند و مواجب بازمانده‌ها بچگان دریائی و کسانی
که در ولایات خارجه که بمصرف دولت فرانسه در آنجا مانده اند
خدمت میکنند و معین کردن خزینه داران دریائی و نگاهداشتن
شمار کشتیهائی که غرق شده اند

و آنچه بریاست ششم تعلق دارد اینست

رسیدگی کردن و صحه گذاردن و تقسیم نمودن مخارجی را که در بندرات
معمول میدارند با اخراجاتیکه در جاهای دیگر بمصرف

نقایص

نقایص بپرسند و رسیدگی کردن بتمام معاملاتی که در پاریس
و ولایات خارجه بواسطه کشتیبانی انجام میگیرد

و اموریکه متعلق بوزیر محاسبات میباشد بترتیبی که ذکر خواهد شد

و معنی بیان که در این وزارتخانه از کارگذاران یک نایب
وزیر و شش رئیس و وزیر با هشت نایب رئیس و دو خزینه دار
و یک بشر خزینه و صد و سی و چهار منشی باشی و منشی پانصد و سی و دو نفر
از صاحبان شأن و مرتبه دیگر میباشند و مواجب تمام این اشخاص
قریب بدویست و سی هزار تومان است که شش هزار تومان از این
دویست و سی هزار تومان مواجب کسانی است که مالیات
ولایات را گرفته بمواجب مردم میدهند و علاوه بر این دویست و
سی هزار تومان قریب بهفده هزار تومان برای صد و پنجاه نفر خدام
ایشان برقرار کرده اند و نیز شش هزار و پانصد تومان دیگر برای
انعام و احسانی که اهل وزارتخانه بمردم میکنند مقرر داشته اند

وقریب شصت هزار تومان بعنوان اسم آوردن ما یحتاج وزارتخانه معین نموده اند

وکارهائیکه در عهدهٔ کارپردازان این وزارتخانه میباشد باین تفصیل است اول ضبط و ثبت املاک است که یک رئیس و چهار نایب با پنجاه و هشت منشی باشی و منشی و پنجاه و نه نفر محرر دخیلند دوم امور گمرک است که یک رئیس و چهار نایب و بیست و نه منشی باشی و منشی و هشتاد خدام متفرقه کفیلند سیم امور مالیات املاک است که یک رئیس بزرگ و دو نایب و ده منشی باشی و منشی و نوزده خدام انجام میدهند چهارم امور مالیات غیر املاک است که یک رئیس و چهار نایب و سی منشی باشی و منشی و سیصد و سی و چهار خدام با تمام می آورند پنجم امور چاپارخانها است که یک رئیس و چهار نایب و چهل و سه منشی باشی و منشی و صد و سی و نه خدام مختلفه بپایان می آورند

ششم امور […] که یک رئیس […] منشی […]

هفتم

هفتم امور جنگلهاست که یک رئیس و چهار نایب و بیست منشی باشی و منشی و سی و پنج چاکر انجام میدهند هشتم ضرابخانه و سکوکات است که یک رئیس و دو نایب و یک بشار محک و امتحان با چهار امتحان کننده کان دیگر و دو منشی باشی و سه منشی دخیلند

و امور یکه در دفترخانه وزیر محاسبات ساخته و پرداخته میشوند اینست

نگاه داشتن فهرست اسامی و حساب کسانی که در این وزارتخانه مدخلیت دارند و پرداختن امور خزانه داران و تحویلداران ولایات و معین کردن اشخاصی را که در ولایات بجهت رسیدگی بمالیات گردش مینمایند

خاصه و عامه و تحویلداران […]

و آنچه تعلق بنایب وزیر دارد اینست

مخارج و مداخل ولایات جمع کرده حساب کنند و آنچه دولت بجهت مخارج ولایات یا غیره معین نیکند

و اموریکه تعلق برئیس اول دارد اینست

تقسیم کردن مخارج وزارتخانهای مختلفه و آماده کردن احکام
دولتی را نسبت بمداخل و مخارج یعنی معین کند احکام
صادره از دولت درباره دخل و خرج چیست بالجمله
پرداختن امور صرافیها و انجام دادن کارهائی را که متعلق بقرضهاست
و هرچه را لازم شده با دولت در میان آورد و ثبت کردن
احکام صادره از وزراء و حکم دادن تحویلداران خاصه ولایات
در رسانیدن زر و سیمی که بایشان محول است و رسیدگی کردن
هر ده روزی یکدفعه بحساب تحویلداران و پس فرستادن
زر شهر پاریس بسایر ولایات و از بعضی ولایات ببعضی ولایات
دیگر و نگاهداشتن روزنامهای تحویلداران خاصه

و اموریکه در عهده رئیس دوم نهاده اند از اینقرارند

سرکشی کردن بانجام احکامی که از دولت درباره صرافان صادر میشود
و ثبت کردن مبالغ زر و سیمی را که دولت بقرض میستاند از کسانی

محاسبات

محاسبات کسانیرا که بدولت قرض میدهند و رسیدگی کردن
بمواجب و وظایف‌ها یعنی نظامی و غیر نظامی که مقرر شود

و اموریکه با رئیس سوم متحمل شد اینست

نگاهداشتن دفاتر محاسبات مخارج و مداخل مملکت
با شرح دلایلی که وزراء در مخارج خود مذکور میسازند و رسانیدن
پول بجهت آذوقه عساکر در مضیقها تا هر قدر لازم شود و پس قرض
دادن بکسانیکه با یکدیگر شریک شده راه آهن میسازند

و اموریکه در عهده رئیس چهارم میباشد اینست

تحویل گرفتن نقود مالیات املاک و غیر املاک با مداخل
چاپارخانها و گمرک و غیرها و مفصل داشتن برات مواجب
عساکری که از فرانسه در ممالک خارجه میباشند و قبض دادن
بتحویلداران خاصه و عامه بعوض نقدیکه از ایشان میستانند
و ادای وجه کردن براتی را که خزانه در مرتبه اول حواله
مینماید و رسانیدن برات مواجب و مخارج عساکر بحریه

وصول نمودن برواتی را که تحویلداران ولایات از تجار گرفته‌اند
نمایند

واموریکه متعلقه برئیس پنجم میباشد ازاین قرار است

رسانیدن منافع پیت کسانی راکه بدولت قرض داده‌اند
با نقد دادن مواجب چاکران نظامی و غیر نظامی هرقدر در شهر
پاریس میباشند و ادای وجوه نمودن برواتی راکه از سو حواله
شده باشند

واموریکه درعهدهٔ رئیس ششم میباشد اینست

رسیدگی کردن بمنازعه و مرافعه که درمیان برات داران
وتحویلداران وخزینه داران پیدا میشود و رسیدگی کردن
بحسابات خزینه داران وتحویلداران با صحه نهادن بروات
مذکوره و رسیدگی کردن بنسخه‌ایکه بعضی در دست دارند
واز دولت لوغائی طلب میکنند و دادن روزنامه دارالمیه
هرشب بوزیر محاسبات و معین کردن قدر وجوهی

ه در خزینه و در محاسبات موجود هر دو باید برابر باشد که خزینه
مذکوره شود کلید است یکی در نزد خزینه‌دار است و یکی در نزد
ناظر خزینه دیگر آنکه علاوه بر امور مذکوره متعلقه بوزرای مختلفه امور
دیگر در دولت فرانسه میباشد که هریک از آن امور تعلق
بوزارتخانه دارد ولی اسمی علیحده گرفته در هریک قواعد
مخصوص نهاده‌اند و از این امور مخصوصه آنچه تعلق بوزیر عدلیه دارد
اینست اول عدالتخانهٔ بزرگی است که مخصوص مملکت
فرانسه است و در پاریس میباشد و منتسب به مجلس است که یک
رئیس و پانزده منشی دارد و شان کارگزاران در این عدالتخانه
اینست که هرگاه در یکی از عدالتخانه‌ها مرافعه شده یکی از مدعیان
راضی نشده در نزد ایشان آید و ایشان حکمی را که از آن عدالتخانه
صادر شده خلاف انصاف ببینند خط بطلان بر سر کشیده بعد
بعدالتخانهٔ دیگری رجوع نمایند که آن مدعی راضی باشد دوم
عدالتخانه‌های بزرگی است که در هر سه ولایت عظمی یکی یافت میشود

بغیر از این یک [illegible]

و اصحاب این عدالتخانه مطلق مرافعات خلق رسیدگی میکنند
و احکام مرافعهٔ ایشان باید از ده نفر را که ژوری میباشند
دو دفعه مرافعه از رعایا گرفته میشود و چنین از اهل علم نشسته در موقع
مردم رجوع بقلب خود میکنند که تا به بینند دل ایشان بتقصیر کدام
یک از مدعی گواهی میدهد سوم عدالتخانهٔ نهائیست
که هر کس مرافعه دارد در آنجا رفته مرافعهٔ او سوای بهر عدالتخانه
می بینند بالکل رجوع میکنند چهارم عدالتخانهٔ نهائی است
که مرافعات تجارتی رسیدگی میکنند و در هر یک از شهرهای
فرانسه است پنجم عدالتخانهٔ نهائیست که اعمال
جنحه از قبیل دزدی و غیره رسیدگی مینماید و اینگونه عدالتخانها
در جمیع شهرهای بزرگ فرانسه نیز یافت میشود ششم
عدالتخانهٔ نهائیست که در شهرهای کوچک میباشند و عدالتخانهای
مصالحه مینامند چه هر وقت در میان مردم نزاعی روی میدهد

اول

اول در آنجا رفته مکالمه میکنند که شاید امر منجر بمصالحه شود
القصه در هر عدالتخانه وکلای چند میباشند که از کار
مطلع میباشند هر وقت کسی مرافعه داشته باشد از ایشان یکی را وکیل میکند
که از جانب او مکالمه کند دوم از امور مخصوصه متعلق بوزارت
عدلیه و دیوانیه چاپخانهٔ امپراطوریست که در شهر پاریس میباشد
و آنچه متعلق بدولت است دولت خرج کرده در آنجا چاپ میکنند
مانند احکام و کتب را که مصنفین گزارش داده بکار دولت میآید
خواه کتب علمیه باشد خواه کتب که در السنهٔ غریبه تصنیف شده است
و کار خرج بسیار هم داشته باشد دولت متحمل وسوم
از امور مخصوصه متعلقه بوزیر عدلیه و دیوانیه قربان دوزی است
که دولت از آنها نشان می بخشد
و چهارم مشیران دولت میباشند که متشکل بوده و از بیست و دو کوره
دو مشیر خاصه و سی نفر نایبان مشیران و هر حکمی در دولت
روی دهد مصلحت بین ایشان است و هر وقت حادث

چاپی در دیوان که اشخاص بایشان رجوع میکنند

پنجم آرشیو است و ایشان کسانی هستند که تمام سندها
و احکام دولتی را نگاه میدارند و اگر کسی سوادی از آنها
بخواهد نزد ایشان میرود و از قبیل احکام صادره از وزرا
و مشیران دولت و دیوانخانه‌ها و پیشوایان هر ملتی و از آنها

امور مخصوصه آنچه تعلق بوزیر امور خارجه دارد بیان این است

اول نیابتی است که در شهر تریسته نیابتی هر چه از کارهای
ولایات که در سمت دریای سفید تعلق بسفرا داشته باشد
انجام میکند دوم در پاریس مجلس محاکماتی است
که تعلق بدفترخانه وزیر امور خارجه دارد و اهل این مجلس نیز هر
که اغلب اوقات از دیوانخانه منتخب میشوند و ایشان
بجهت این هستند که هرگاه در امور رعایا و تبعهای فرانسه تبعت
خارجه مخالفتی روی دهد وزیر امور خارجه در دفع آن مخالفت
با ایشان مصلحت کند سوم مترجمین خانه امپراطوری

میباشند

میباشند که اختصاص بزبان ترکی و فارسی دارند و ایشان چهار نفرند

چهارم مدرسه است که در پاریس واسطه سبب برای
آموختن السنه و لغات ترکی و فارسی و عربی برپا کرده‌اند

پنجم دفتری است که در آنجا عهدنامه‌ها و مخصوص نامه‌جات و سایر
نوشتجات دولتی چه قریب بیست هزار نمره با تمام مراسلات
و مکاتبات سفرا و قونسولها که از قدیم الایام تا اکنون
جمع شده است با بیست هزار نقشه ولایات متفرقه و چهارصد
جلد نوشتجاتیکه سرحدات را معین میکنند فراهم آمده
و از آن امور مخصوصه آنچه تعلق بوزیر مدارس دولتی این است

اول سی نفر مشیران و مباشران مدارس میباشند که باید
بنظم و تعلیم قواعد مدارس رسیدگی نمایند و گاه گاه بمدارس
سرکشی کنند دوم جمعی است که باید کتب مخصوص
تعلیم شاگردان در آنجا انتخاب شود و کتب تواریخ فرانسه
و علوم و صنایع با کتب قلمی در آنجا جمع کرده‌اند

سوم مدرسه مخصوص کسانیست که میخواهند معلم شوند
و باید متعلمین در این مدرسه کمتر از هیجده سال و بیشتر از بیست و سه
سال نداشته باشند و نیز در مدارس دیگر درس خوانده باشند
چهارم مدارسی که در مرتبه اولند و در هر یک از شهرهای
بزرگ فرانسه یکی هست پنجم مدارس بزرگیست که در
هر یک علم مخصوصی خوانده میشود از قبیل علم دین و طب و غیرها
ششم مدارس دو اساسیست که در جمیع مملکت فرانسه
منحصر به سه شهر است یکی در پاریس دیگری در مُنپلیه و یکی در استراسبورگ
هفتم مدارسی است که بعضی بعضی مقدمات طب و دوا
سازی یاد میشوند و در اغلب از شهرهای فرانسه یکی یافت میشود
هشتم مدارسیست که بعضی ابتدای درس خواندن کسانیست که
میخواهند معلم شوند و در هر یک از شهرهای بزرگ فرانسه یکی هست
نهم مدارس دولتیست که در هر یک همه علمی مخصوص تدریس میکنند
دهم انستیتوت است یعنی مجمع دانشمندان که

این مجلس

پنج مجلس ها انتظام و ترقی در علوم متفرقه میدهند و در مجلس اول
که آکادمی فرانسه مینامند و مخصوص زبان فرانسه میباشد چهل نفرند
و در مجلس دوم که آکادمی دزنسکریپسیون میگویند و برای
ترقی انشا و شعر و غیرها است نیز چهل نفرند و در مجلس سوم
که آکادمی د سیانس میگویند و جهت ترقی علوم ریاضی و طبیعی
از قبیل هندسه و جغرافیا و معدن و زراعت و طب و جراحی
و غیرها میباشد شصت و سه نفرند و در مجلس چهارم که آکادمی
دبوزار میخوانند و مخصوص ترقی دادن صنایع است
از قبیل نقاشی و تراشیدن اشکال مختلفه از سنگ یا معماری
و حکاکی چاپ و موزیکان چهل نفرند و در مجلس پنجم
که آکادمی د سیانس مُرال میگویند و اختصاص بترقی
علوم اخلاق و پلتیک دارد از قبیل علم فلسفه و قواعد
دول و سیاست مدن و آداب و غیرها سی نفرند
یازدهم از امور متعلقه بوزیر مدارس دارالعلم

قرائتخانه ایست که کلیهٔ دولتش بنا نموده و در آنجا بیست و هفت
معلم است که هر یک علم مخصوصی بقوم میاموزند از قبیل نجوم
و ریاضی و طبیعی علمی و طبیعی عملی و طب و شیمی و حقوق ملل
و تواریخ دول و حکمت فلسفه با قواعد دول مختلفه و ادب
و معاریف و السنه عبرانی و کالدانی و سریانی و عربی و فارسی
و ترکی و چینی و تاتار و هندی و یونانی و لاتین و اسلاوانی
و سایر زبانهای معمول فرنگستان با علوم دیگر
دوازدهم موزه طبیعی است که در آنجا هر نوع
حیوانات و نباتات و معادن آورده جمع کرده اند
سیزدهم رصدخانه است که در آنجا هر چه تعلق بعلم نجوم
دارد فراهم آورده اند و منجمین در آنجا نشسته حرکات
کواکب را ضبط میکنند چهاردهم هشت کتابخانه
شهر پاریس است و در آنها که در دویصد و سی شش هزار
کتاب چاپ است و نود و چهار هزار و دویست و نود

و چهار

و چهار کتاب قلمی میباشد و در یکی از این کتابخانه‌ها که امپراطوری
میگویند سه هزار و چهار صد و چهل و سه عقیق و نگین و درجی کمتر
با صد و پانزده هزار و هشتصد و نود و چهار مسکوکات
قدیمه و جدیده هر ولایتی میباشد و آنچه از امور مخصوصه تعلق بوزیر
داخله دارد این است
اول کسانی هستند که بحکومت و ولایات تعلق دارند
از قبیل حکام کل و حکام جزء و مشیران حکام
دوم مشیرانی میباشند که در ولایات بجهت گذراندن
کارهای رعایا در نزد حکام متوقفند
سوم مشیران حکام بلوک و کدخدایان و غیرها میباشند
چهارم امور راهها و پلهای ولایات است
پنجم محتسبی است که پلیس میباشند و در پاریس و تمام
بلاد و بلوک میباشند و از قراریکه ذکر شد محتسبین بجهة انتظام
و آزادی و آسایش خلق میباشند و باید نگذارند نزاع و جدالی

در میان مردم پیدا شود و نیز جهتی بشود که در انتظام عامه مردم
صادر شود انجام دهند و بدانکه احتساب دو نوع است
خاصه و عامه احتساب خاصه تذکره دادن و منع کردن
گدائی و هرزه گردی است با نظم دادن در زندانخانها و جائی
هرزه‌های فاحشه مکان دارند و نیز برداشتن منازعه و مجادله شود
از میان ملل مختلفه و منع کردن غوغا و هیاهوی خلق شود
در بازار و برزنها و گرفتن دزدان و فراریان شود بالجمله
هرچه از این کارها بیاید محتسبین متصدی شوند و احتساب
عامه و رسیدگی کردن بکوچها یعنی پاک نگاهداشتن کوچها شود
از هر خاک و خاشاک و نگذاشتن مسدود شدن کوچها از حیوانات
و غیرها و اهتمام کردن در امور متعلقه بصحت مردم و منع کردن
آتش گرفتن خانها را و مانع شدن خرابیهائی را که سیلاب
میرساند و پاسبانی نمودن امور تجارتی شود و سرکشی کردن
بمأکولات و مشروبات که در بازارها آورده میفروشند

بسیار نقصی داشته باشند که علت بیماری خلق شهر و محافظت
کردن عمارات دولتی را و غیرها هر آنکه در حقیقت عدالتخانها
یک نوع از احتساب میباشند چه گناهکارانی را که
محتسبین خاصه و عامه نتوانستند از اشتغال باعمال قبیحه باز دارند
تنبیه نمایند و جمیع کارهای منسوبه باحتساب در کف کفایت
وزیر داخله میباشد و در بلد و بلوک و دهات حکام زیاده
ایشان باکدخدایان بامور محتسبی رسیدگی میکنند و در پاریس
یکنفر است که بر محتسبان سمت بزرگی دارد و مخصوص محتسبی این
شهر است و اورا پرفه دپلیس مینامند و او محکوم وزرای داخله
میباشد و چهل و هشت محتسب در تحت اطاعت اوست
و در هر محله از محلات پاریس یکی از ایشان شود گماشته اند
و معلوم بیاد که در هر بلده و بلوکی یک محتسب باشی هست
که اطاعت بوزیر داخله دارند نه بمحتسب باشی پاریس
و محتسبین ولایات و سایر جاها شود وزیر داخله معلوم نمیه

اینطور مأمور میفرماید و در زیر حکم حکام و نایبان ایالت
و کدخدایان میباشند و ایشان بجهت این از جانب دولت
منصب میگیرند که کسی را نگذارند خلاف کند بالجمله کارشان را
که مطلق محتسبین متعرض میشوند باین تفصیل که هر یک
از عملجات کارخانهها را شرح حالش را بهمه جهت در کتابچه
نوشته باید بسپارند و آنچه در کتابچه نگارش میدهند اینست
که چند سال دارد و شغل و عملش چیست و در هر کارخانه
چقدر توقف کرده است و هر یک از عملجات کارخانهها
که بخواهند بکارخانه ببرند کتابچه خود را در نزد پلیس برده
رقم میکنند و همچنین از کارهائیکه در عهده محتسبین است
سرکشی باطفالیست که در کارخانهها شاگردی میکنند و نگاه
کاری را در قوه ایشان نبینند نمیفرمایند و رسیدگی باوزان
و مقادیر کرده نگذارند کسی تقلب نموده کم فروشی کنند
و مواظبت کرده نگذارند براهها کسی خرابی رسانند و زحمتهائی

که در کنار راهها نشانیده ترتیب کرده پرورش دهند و هر جا درخت
نشانیده اند کسی نشکند نگذارند که گوسفندان و سایر حیوانات درختها
را بچرند و هر جا قنات و جوی است از خاک و خاشاک پاک نمایند
و مردابها را خشک کنند و بتعمیرات راهها رسیدگی کنند و نگذارند
بر عرادهها از قرار معموله بیشتر بار کنند و باید رسیدگی نمایند که مبادا
بر خلاف حکم دولت معماران بنائی کرده بازار و برزنها کج شود
و بالجمله راهها و جاهای بیرون و درون شهرها را سرکشی کنند که موافق
آنچه مقرر داشته اند وسیع و مستقیم باشد و راههای آهن را پاسبانی
نموده رفع هجوم موجب ضرر و خطر نشود و نگذارند کسی بخواهد از راهها
و جادهها قدری را تصرف کند ممانعت نمایند و نگذارند از اسباب
بخار آنچه تعلق براه آهن دارد پیش از آنچه از دولت حکم شده است معمول
دارند و بمعادن نمک رسیدگی نمایند و نگذارند کسی حفر معادن نمک
بهانه کرده بخانه و ملک دیگری نقب زند و همچنین نگذارند کارخانهائیکه مخالف صحت مردم است نزدیک شهرها بنا کنند

ودر عهدهٔ نوّاب حکّام است که هرجائی زرنیخ سای کارخانه صیدجات
دارد تعیین کنند واین نوع کارخانها را منقسم به سه قسمت کرده اند
امّا کارخانها واقعه در مرتبه اوّل ازاین قبیل میباشند قصابخانها
وکارخانهای شوره گیری وکوکرد سازی وکارخانهای باروت
وکارخانهای کبریت سازی چاشنی سازی وکارخانهای نشاسته پزی
وروده وجاهائیکه حیوانات مرده درزنابهر می افکنند وکارخانهای
استخوان سوزی وکارخانهای کتان پوسی وکارخانهای سریشم پزی
وکارخانهای شیشه گری وکارخانهای تیزاب سازی وکارخانه مرکب
چاپ وکارخانه قیرسازی وکارخانهائیکه درهریک روغن ماهی
وروغن نفت وروغن بذرک ترتیب میدهند وکارخانهای
برنج وباروت سازی با هر نوع جنس دیگر که با باروت ممزوج
میدارند وکارخانهائیکه درهریک نشادر وقیناب وپیه ونغج
سیاه ومشمّع میسازند وکورهای آهک وگچ وکارخانهای
در مرتبهٔ دوّم باین تفصیلند کارخانه جوهر رنگ گیری وکارخانه

یعنی ترتیب حروف تهجی در مرتبه اوّل نباشند منه

فولاد

فولادسازی وکارخانه سفیداب قلع گیری وکارخانه سفیده کردن
پارچه وکارخانه لباس شوئی وکارخانه شمع وکارخانه دک
سازی وکارخانه دبّاغی وکارخانه مس کهزری وکارخانه عرق کشی
وکارخانه چینی سازی وکارخانه آهنگری وکارخانه هیبت ساختن
روشنائی انجیانیت که کار میفرمایند وکارخانه ساغری سازی
وکارخانه کاغذگری وکارخانهٔ که خاصه قند سفید کردن است
وکارخانه انفیه سازی وکوره آجرپزی وکارخانهای
در مرتبه سیّم باین ترتیبند کارخانه جوهر سرکه وکارخانه شیم زنی
وکارخانه طلاکوبی وکارخانه آب جو وکارخانه هیب سفید کردن
کافورست وکارخانه زغال سازی وکارخانه چینی سازی وکارخانه
جیوه کردن آئینه وکارخانه پشم شوئی وکارخانه ساچمه ریزی
وکارخانه شوره گیری وکارخانه صابون پزی وکارخانه زاج سبز
وتکالیفی که در طبابت وجرّاحی بعهدهٔ محتسبین نهاده
اینست هـ نگذارد کسی را که از مدرسهٔ علم طب وجرّاحی

اجازه نگرفته اند طبابت و یا جراحی کنند دیگر آنکه نگذارند دوا
سازان بی اذن از اطبا ادویه جات مسمومه بفروشند
دیگر آنکه با طبابت که از دولت معین شده اند هر رسیدگی به بازارها
و قبرستانها و تشریح خانها و دکه آشتیلها و جاهائی که خاکروبه میریزند
و چاهها و زهرابها نمایند و سرکشی کنند و نیز هر وقت قرنطینه
لازم میشود معین نمایند ششم مریضخانها و مهمانخانهای مساکین
با عمارات است که در هر یک کودکان بی پرستار را برده پرورش
میدهند و بدانکه مخارج اینگونه خانها گاهی دولت متحمل میشود
و گاهی مردم متصدی میشوند چنانکه بعضی املاک خود را وقف
چنین اماکن میکنند و بعضی نقد میدهند و در مملکت
فرانسه هزار و سیصد و سی و هشت مریضخانه میباشند و منافع
موقوفات آن مریضخانها سالی قریب یازده کرور فرانک است
و علاوه بر این آنچه مردم نقد آورده بمخارج مریضخانها میدهند
قریب بسیصد هزار فرانک است و حساب کرده یافته اند

که در مریضخا

که در مریضخانهای پاریس عموماً هر یک از مرضای آنجا مخارج [illegible]
و مخفی مباد که در پاریس چهار مریضخانه بزرگ بجهة بیماران است
و یازده مریضخانه دیگر بجهة کسانی است که پیر شده و از کار افتاده اند
و هفت خانه هم مخصوص دیوانگان و کوران و امثال ایشان
میباشند و خانهای دیگر نیز هستند که اختصاص بپرورش اطفالی
دارند که بسر راهها می افکنند و اینگونه خانها در مملکت فرانسه
صد و چهل و چهار میباشند باسی و هفت دیوانه خانه و علاوه بر آنچه
مذکور شد میان خلق آن سرزمین معمول است که جمعی انجمن
کرده مبلغی معتنی به از زر و سیم بمخارج مساکین و ایتام و نظایر چنین
فراهم آورده میدهند و پس از آنکه مجلس مذکور منعقد شد و تعیین مبلغ
کردند هر یک بخانهای خود رفته از برای مساکین و سایرین
ترتیب غذا و دوا و ملبوسات میدهند هفتم یتیمخانه
چند میباشند که سابقاً ذکر شد و در مملکت فرانسه دویست و شش یتیمخانه
میباشند هشتم زندانخانها است که در مملکت فرانسه

دوم عنه یکی بجهت کسی نیست که تقصیر کرده و هنوز تنبیه نشده اند
دیگر بجهت اشخاصی است که تنبیه شده اند یعنی تنبیه بودن و همین زندانخانه سبب
ودر هر زندانخانه یک رئیس و یک رئیس و یک نایب رئیس
با مباشر و منشی و پاسبانان چند و غیرها میباشند و بدانکه ماکول و مشروب
و دوا و غذا و خوابگاه و هیزم و بعضی چیزهای دیگر زندانیان سوای دولت خود
از عهده برمی آید و هر یک از مقصرین هم باندازه تقصیر که دارند بکار
خانهای مختلفه برده بکار باز میدارند **نهم** تمام تعلقات
دولتی فرانسه است که از ارشیو مینامند و تاریخ و حکومت دولت
منسوبند و از هزار و دویست سال قبل از این تا اکنون در عمارت
مخصوص تخمینا صد و پنجاه هزار دسته میباشند و منقسم به پنج قسمت میشود
قسمت اول در قاعده و قانون دولت فرانسه است و قسمت
دوم در فرامین و احکامیست که در دولت جاری کرده اند
و قسمت سوم در تفصیل رسم و آداب قدیمه اهالی مملکت
میباشد **و قسمت چهارم** در نقشهائیست که با ملک

فرانسه

فرانسه مدخلیت دارد **و قسمت پنجم** در احکامیست که خاصه
پاریس پای تخت فرانسه میباشد و علاوه بر این هر یک از ولایتها
و ولایات فرانسه یک ارشیو دارد **دهم** ملکاف است
که لسانژ نامی از اهل ژنو بهر یکی از ولایات فرانسه میباشد
قریب هشتاد و دو سال قبل از این اختراع نموده اکنون بیست و
پنجاه است که منه اول شده است **و آنچه از امور مخصوصه**
بوزیر زراعت و تجارت دارد اینست
اول مجلسی که بچند نفر از مشیران زراعت مشتمل است و وزیر
مذکور مشیران مزبور را خود معین نموده در امور زراعت با ایشان
مشورت میکند **دوم** مدرس علمی زراعت است و در
فرانسه نه مدرسه بزرگ در این علم میباشد و هفت مدرسه
دیگر که علم و عمل باهم آموخته میشود **سوم** مدارس
بیطاری است و در فرانسه اینک نه مدرسه بزرگ و چند کوچک
میباشد **چهارم** اماکنیست که اسبان تخم گیری را

نزول داده اند و در فرانسه بجهت اینجنس هفت مکان در مرتبهٔ اولند
و دوازده مکان در مرتبه دوم **پنجم** مجلس مشیران تجارت
خاصه و ایشان سی نفرند که حسب الفرمان امپراطور معین میشوند و در
اموریکه بگمرک و عهدنامه تجارتی دخلی دارند وزیر مذکور بایشان
مشورت مینماید **ششم** مجلس مشیران تجارت عامه است
که شصت نفرند و چهل نفر ایشانرا وزیر معین کرده بیست نفر را
تجار مشخص مینمایند و وزیر امور تجارت با ایشان مشورت مینماید
و این مجلس در هر سالی یکدفعه منعقد میشود و آن یکدفعه را نیز
وزیر معین میکند **هفتم** مجلسیست که از تجار مأمور شده
از دولت در هر شهر اعظم منعقد گشته حکام و عمال آنشهر
در امور تجارتی رفته از ایشان مشورت میکنند **هشتم** بورس است
و آن عمارت بزرگیست که در وقت معین جمیع تجار بخصوص
صرافان در آنجا آمده هر یک با هم کاری دارند انجام میدهند
و در بعضی از شهرهای بزرگ فرانسه چنین عمارت یکی هست

نهم دلالانی هستند که از دولت معین شده قیمت بروات
تجارتی و سکوکات و اجناس سوقیین مینمایند و در داد و ستاد عموم
واسطه میباشند **دهم** مشیران کارخانها که در اعمال خود
مانند مشیران زراعت و تجارتند **یازدهم** عمارتیست
مانند موزه هرچه از زراعت و تجارت و صناعت اختراع
میشود شکل آنها را با چوب تراشیده در آنجا میگذارند و در
آن عمارت ده معلمند که شاگردان چند را درس زراعت
و صناعت میگویند و از شاگردان حق تعلیم نمیگیرند
دوازدهم مدرس صنایع است که اختصاص بکسب
علم و عمل صناعت دارند و از شاگردان این مدرس
چهارصد و پنجاه نفر را معین کرده مواجب ایشانرا بوزیر داده وزیر
بشاگردان میدهد و سایرین را که دولت معین کرده
باید هر یک سالی پنجاه تومان بدهند و در فرانسه اینگونه مدارس
بیش از سه مدرسه نیست یکی در شهر شالون و یکی در آنژه و یکی در اکس

دولت قریب بصد هزار تومان در این مدرس خرج میاید

سیزدهم صرافی دولتی است که بانک مینامند

و بغیر صرافخانهای بزرگ در پاریس که بانک دوفرانس میگویند
نه صرافخانه دیگر در شهرهای بزرگ فرانسه میباشند و کار صرافخانه
در این صرافخانها این است که از تجار صاحب مایه اخذ برات کرده
تنزیل میکنند و پس از آن وصول مینمایند و عوض اصل از این صرافخانها
آنانی ورقه دیاری تجارت است

چهاردهم خزینه رعیت است

که کس دپرن میخوانند و این عمل بجهة آنست که هریک از رعایا
انقدر از درآمد و مخارج خود را ذخیره میکنند کم کم آورده در اینجا میسپارند
و هر وقت بخواهند گرفته یکدفعه با منفعت میستانند و اینگونه
خزینه رعیتی در پاریس و در بیشتر از شهرهای فرانسه میباشد و در خزینه
رعیتی پاریس حساب کرده دیده اند که هر ساله هزار و ششصد و پنجاه و شش نفر
که از پنجهزار تا پنجاه تومان پول آورده سپرده اند و بیست و ششهزار و
هشتصد و نود و شش نفر از پنجاه تومان تا صد تومان بامانت گذارده اند

و این نوع صرافخانهای دولتی در جمیع دول فرنگستان متداول است زیرا که دول مذکوره در عوض اینکه پول خود را در خزینه بیکار بگذارند از این صرافخانها فرنهای هم رعیت منفعت میبرد و هم دولت ۱۲

مقصود دولت در خزینه رعیت اینست که رعیت منفعت ببرد و هم منفعت ... بجا ... جمع ... ۱۲

و بیست و چهار

و بیست و چهار هزار و ششصد و هشت نفر از صد تومان تا دویست تومان
سپرده اند و شانزده هزار و سیصد و هفتاد و هشت نفر از دویست تومان
تا پانصد تومان گذارده اند و نود و نه نفر هم که از پانصد تومان بالاتر است
و مبلغ پولی را که این اشخاص مختلفه آورده اند و در یکسال سپرده اند
قریب به بیست کرور تومان میباشد

پانزدهم مدارس

هستند که از برای تحصیل علوم متعلقه بصنایع برپا شده از و یکی
از این مدرس که بسیار بزرگ است در پاریس برپا شده است
و در آنجا علم هندسه و علم کارفرمائی در کارخانها گفته میشود

و آنچه از امور مخصوصه تعلق بوزیر معمار بنیای دولتی
دارد این است

اول مجلسی است که از بعضی مکالمه در باب ابنیه و راهها میگیرد
و مجلس از دوازده نفر منعقد شده رئیس مجلس وزیر بنیان و اهل
مجلس مزبور با یکدیگر مکالمه کرده هر جا از بعضی راه و ابنیه صلاحیت
دارد معین میکنند بالجمله از این قبیل کارها را متصدی میشود

دوم مجلس مشاعل دریائی است که از ده نفر فراهم آمده
بزرگ ایشان وزیر بحریه و این ده نفر با هم مشورت میکنند
در چه قسم از مشاعل بجهة روشنی سواحل نیکوتر است
و در چه جا باید افروخت سوم مجلسی است که در بعضی معامله
در امور متعلقه راهها و پلها و رودها و معادن میباشد و این مجلس
از هشت نفر باشران بزرگ و بیست و سه نفر باشران دیگر و [illegible]
نفر از رؤسای مهندسین و صد و هشت نفر از مهندسین در مرتبه
اول و نود و نه نفر از مهندسین در مرتبه دوم و صد و چهل و سه نفر
از مهندسین در مرتبه سوم و دویست و پنجاه و سه نفر از مهندسین
در مرتبه چهارم و بعضی مردم دیگر آراسته میشود و این اشخاص
باید بامور راهها و پلها و رودها و معادن رسیدگی نمایند
چهارم سرکردگان بندرها اند و ایشان صد و هفتاد و پنج نفر اند
و آنها در اطاعت کسانی میباشند که بامور راهها و پلها و رودها
و معادن رسیدگی مینمایند و کارهائیکه در عهده آن صد و هفتاد و پنج نفر است

اینست که بندرات نو منظم دارند پنجم مجلسی است که در [illegible]
گفتگوی هیمه و ذغال پاریس منعقد میگردد و ایشان مصلحت می‌بینند
که فی المثل اگر با کشتی از نهر رودخانه هیمه و ذغال بپاریس آورند
نیکوتر است یا قسمی دیگر القصه این مجلس که از یک رئیس و یک سرکرده
بزرگ و ده باشر خاصه و پانزده باشر عامه فراهم می‌آید بجهت
اینست که هیمه و ذغال پاریس نو بقدر کفایت همه مقرر گرد
به بینند ششم مجلسی است که اختصاص بعمارات دولتی
دارد و از یک رئیس و هشت مباشر و یک منشی آراسته میشود
و کار ایشان اینست که در تعمیر عمارات قدیمه و بنای عمارات
جدیده معامله کرده مصلحت اندیشی کنند هفتم مجلسی است
که مخصوص معادن میباشد و مشتمل است بر هشت مباشر
و یک منشی باشی و بعد از آنکه رئیس مجلس مزبور وزیر مذکور
میباشد و نیز ایشان باید بامور معادن فرانسه رسیدگی نمایند
هشتم مدرسه امپراطوری است که در آنجا علم معدن گفته میشود

دبس و در فرانسه اینگونه مدرسه یکی در پاریس و یکی در شهر
سنت اتین و آنچه از امور مخصوصه تعلق بوزیر لشکر
دارد اینست اول مجلس امانت لشکر است که از
یک از صاحبمنصبان بزرگ آراسته میشود و امورات مجلس مزبور به
پنج قسمت منقسم کرده اند قسمت اول که نوشتجات مخصوصه
مجلس است در عهده منشی باشی میباشد و قسمت دوم که نقشهٔ مخصوصه
مملکت فرانسه است در عهده صاحبمنصبان و مهندسین میباشد و قسمت
سوم نقشهٔ هر ولایتی از مملکت فرانسه است که بجهة چاپ کردن
میباشد و قسمت چهارم ترتیب دادن نوشتجات است که مدتیست
بجنگهای مملکت فرانسه دارند و قسمت پنجم جمع کردن
و ترتیب دادن نوشتجات است که نسبت بقلعه سازی
و کارهای دیگر لشکر از پایه و سلاح چه در داخله و چه در خارجه دارند
دویم مجمع است که از بعد گرفتن سربازان جدید منعقد میشود
و در مملکت فرانسه رسم است از جوانان بیست ساله آن سرزمین

اوقاتیکه جنگ نیست هشتاد هزار سرباز میگیرند پس از هفت
سال مرخص میکنند و حساب کرده دیده اند که هر ساله در مملکت
فرانسه جوانان بیست ساله که قابل سربازی باشند در سیصد هزار
نفر میشوند و از این سیصد هزار نفر صد و نود و چهار هزار نفر را
انتخاب کرده پس از آن قرعه میزنند و هشتاد هزار نفر سرباز میگیرند
سوم سربازان احتیاطیست و مراد که اینگونه سربازان اشخاصی
هستند که از سربازانی که هر ساله میگیرند و از سربازانیکه بجهت
سرکشی بخانه و تعطیل خود مرخص میشوند فراگرفته بخانه خود میگذارند
و هر وقت ضرورت بهم رساند بفوج خواسته میشوند قریب پنجاه
هزار نفر میشوند چهارم خریدن اسب است بجهة افواج
و کیفیت اینعمل در دولت فرانسه چند جا معین کرده اند و این
اینعمل را بعهدهٔ صاحبمنصبان سواره نظام نهاده اند و محقق میسازند
که اندازه اسبان مذکوره باین تفصیل است اسبانی که از بهر
سواره نظام خاصه میباشند از یک ذرع و هشت گره و یک بهر دوم

تا یک ذرع و نه گره و یک بهره میباشد و اسبهائیکه جهت توپخانه
و زره داران معین میشوند از یک ذرع و نیم تا یک ذرع و نیم
و یک بهره و یک ربع میباشند و اسبهائیکه مخصوص سایر
سواران نظام هستند از یک ذرع و هفت گره و یک بهره تا یک
ذرع و هفت گره و سه بهره و سه ربع میباشند و اسبهائی که از قبیل
عراده توپخانه و مهندسین معین میشوند از یک ذرع و هفت
گره و نیم و یک بهره و یک ربع میباشند و باید دانست که در ولایت
فرانسه از تابین تا سلطان سواره اسب هم سایر صاحبمنصبان
خود باید اسب بخرند و اسبهائی که هر ساله از جهت فوج خریده میشود
اعم از اینکه جدید باشد یا عوض و قریب به ده هزار راس هر سال
پنجم مدارس نظامی است که اول آنها اکل پلیتکنیک است
که ناپلیون کبیر در پاریس بنا کرده است و از سایر مدارس نظامی
بزرگتر است و سابقاً ذکری از آن شد و دویم سن سیر است
که نزدیک بپاریس واقع شده است و اینمدرسه مخصوص به تعلیم

صاحبمنصبان

صاحبمنصبان پیاده و سواره نظام و اتاماژوری و پیادگان نظامی دریائی
میباشد و شاگردان اینمدرسه خود سوای فوج آراسته بیک بتالیان
هشت یا هفت دسته باشد میشوند و سیوم مدرسه نظامی در شهر
کفلش است و اینمدرسه مخصوص درس خواندن پسران صاحبمنصبان
نظامی میباشد و چنین شاگردان مدرسه مزبوره تحصیل مقدمات
علم جنگ میکنند نباید کمتر از ده سال و بیشتر از دوازده سال باشند
و چهارم مدرسه نظامی سواره نظام است که در شهر سومور واقع است
و در اینمدرسه صاحبمنصبان سواره نظام تعلیم گرفته مدت تعلیم
ایشان دو سال است پنجم مدرسه نظامی اتاماژوری پاریس است
که اختصاص بصاحبمنصبان اتاماژوری دارد و بیش از پنجاه شاگردان
بیست و پنجنفر خارج شده بیست و پنجنفر دیگر داخل میگردند
ششم مدرسه توپخانه و مهندسین است که در شهر متس میباشد
و مخصوص تکمیل یافتن صاحبمنصبانی است که در مدرسه اکل پلیتکنیک
فراغت پیدا کرده با صاحبمنصبان افواج و مدت تعلیم در اینمدرسه

در ساله است و از اشخاصی که در این مدرسه میباشند صد و ده
نفرند تحصیل علم توپخانه میکنند و سی و پنج نفر درس مهندسی میخوانند
هفتم مدارسی است که یعنی توپخانچی گری در بلاد مختلفه فرانسه
بیشتر از نه تا نیست هشتم مدرسه نظامی مخصوصه اصلاح است
که هر یک از سربازان خط و سواد نداشته باشند در آن مدرسه
رفته می آموزند نهم مدرسه موزیکانچی گری پاریس است
یعنی در آن مدرسه رفته موزیکانی می آموزند دهم مدرسه بیطاریست
که در قصبه آلفر نزدیک پاریس واقع شده جهت اینکه دواب
بتحت معالجه گشته در آن مدرسه میفرستند که بیطاری بیاموزند
و چهارپایان علاج کنند یازدهم لژیان دونر است
که ناپلیون کبیر حفظ بر پا ساختن مرتبه بنیاد و در آنجا نشان
دولتی می بخشند و هر آنکه نشانهای بخشیده شده در اینجا رتبت
پنج رتبه هستند مرتبه اول را گرانکروا مینامند
و مرتبه دوم را گران زوفیسیه میگویند و مرتبه سوم کو

کماندور

کماندور میخوانند و مرتبه چهارم را افیسیه نام نهاده اند و مرتبه پنجم شوالیه
اسم گذارده اند و قریب به ده سال از این حساب کرده اند
که از مرتبه اول هشتاد نفر نشان گرفته اند و از مرتبه دوم صد و نود و شش
نفر و از مرتبه سوم هشتصد و سه نفرند و از مرتبه چهارم چهار هزار و
چهارصد و پنجاه و چهار نفر و از مرتبه پنجم چهل و سه هزار و هشتصد و
هشتاد و پنج نفر که به همه جهت چهل و نه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج نفر
نشان داده بعضی دیگر که در زمان سلطنت ناپلیون نشانها
گرفته بودند اکنون مستمری دارند دوازدهم
عدالتخانه لشکری است که مشتمل بر دو قسمت میباشد یک قسمتش را
مشیران عسکر مینامند و قسمت دیگر را مشیران خاصه بازدید
مرافعات لشکریان میخوانند و هرگاه در مرافعه و محاکمه که از لشکریان
خبط و خطائی روی دهد مشیران مذکوره بازدید نموده حکم میکنند
که در مجلس دیگر از مشیران رفته تجدید مرافعه کنند و هر آنکه مشیران
خاصه بازدید مرافعات لشکریان پنج نفرند اول ژنرالی

رئیس ایشان دوم یک شف بطلیان و سوم و چهارم دو کپیتان
و پنجم یک لیتنان ششم یک نایب لیتنان و دیگران مزبور رسد
در هر قسمت از نظام سرداری که در آن قسمت حکمران است
در عدالتخانهٔ نظامی تعیین مینماید و هر سربازی مرافعه داشته باشد
متعلق بجهت مکالمه با مدعی خود وکیل تعیین کند باید مرافعه
در مجلس اول تمام شده محتاج بمجلس ثانی نشود و هرگاه سه تن از سرداران
مذکور به یکی از سربازی که متهم شده حکم کردند فوراً او را
رهائی بخشیده بفوج خود میرود   سیزدهم مرافعه‌ها است
که همیشه اعم از اینکه صلح باشد یا جنگ برقرار میمانند
نوع دوم مرافعه‌هائیست که در جمع‌آوری یا حرکت
لشکر برقرار میشوند   و نوع سوم مرافعه‌هائیست که در اوقات
جنگ در میان لشکر برپا میکنند   و نوع چهارم
مرافعه‌هائیست که در ایام جنگ برپا کرده هر یک از لشکرها
محاصره میشود و مرافعه‌های دیگر رفته بهمسوی ... میکنند

در آنجا به

در آنجا لشکر تقویت خود پس از آن با فواج میرود و در مملکت فرانسه
پناه دائمیت مرافعه‌ها نه از نوع اول میباشند و در هر جائیکه مرافعه‌های
نظامی یافت نشود سربازان را در مرافعه‌های غیر نظامی میبرند
و حساب کرده بوده اند که سربازان مرضا را دهم نفری قریب
و هیچ‌ای مخارج دولت و مخارج مرافعه‌های مزبور با هر سالی قریب
به دو کرور تومان میباشد   چهاردهم مجلس پیشرانی صحت لشکر است
و ایشان نه نفرند که از پنج مرتبه که عبارت از دو طبیب دو
جراح و یک دواساز باشد و نایب مرتبه یک طبیب
دیگری جراح است و یک منشی طبیب و یک روزنامه
نگار جراح فراهم می‌آید   پانزدهم هوتل دزانولید
که سربازان زخم‌خورده و معلول را در آنجا بهم وظیفه‌خور دولت
خواهند بود و اینگونه عمارت که در شهر پاریس واقع در نهر
اولی است و چند سال قبل از این شمردند سربازان

از هر مرتبه در اول دولت ولیه پاریس دو هزار و هشتاد و چهار نفر
و در اوقاتی یانصد و هشتاد و پنجهزار و هفتاد و چهار را که دولت در اعتبارات
بعهده گرفته است دویست و هشتاد و پنجهزار تومان میباشد

شانزدهم قورخانه‌ها و کارخانه‌های توپخانه است که از آنجمله
کارخانه است که هریک از آلات و ادوات توپخانه
را باید بدقت تمام ساخت در آنجا انجام میگیرد مدارسی است
مخصوص تحصیل کردن علم و عمل توپچیگری میباشد
و اینگونه مدارس بیش از هشت مدرسه در فرانسه نیست
و مدرسه مخصوص در شهر ... است که بجهت تعلیم ساختن آنچه در قورخانه
از باروت و غیره لازم است میباشد و قورخانه‌هائیست که بجهت
ساختن هرگونه عراده توپخانه و اسباب آنست و اینگونه قورخانه‌ها
در شهرهای بزرگ فرانسه هشت تا است و قورخانه‌های ریخته‌گری است
که بجهت توپهای بزرگ و کوچک در فرانسه سه تا برپا کرده اند
و کارخانه‌هائیست که بسیار آلات و ادوات جنگ

میباشند و آنچه امور مخصوصه تعلق بوزیر البحر دارد
اینست اول مجلس کارهائیست که باجرای مجلس
مزبور بآنچه تعلق بکشتی سازی و قورخانه بحری دارد رسیدگی مینماید
دویم مجلسیست که بجهت رسیدگی بتعبیه و تدبیر سازی و یدک کشتیها
از خارجه در تصرف فرانسه میباشد فراهم آمده سوم مجلسیست
که خاصه ترقی علوم بحریه منعقد میشود
چهارم مجلسیست که مخصوص رسیدگی کردن بامور خرید و فروش
بیمارستانهاست پنجم مجلسیست که بجهت سرکشی کردن
بمرضای بحریه آراسته میگردد ششم قورخانه‌های بحریست
که از آن قسم قورخانه در مملکت فرانسه پنج تای بزرگ در بندرها
دارند هفتم مجالس متفرقه است که بجهت ترقی دادن علوم
بحریه از قبیل کشتی سازی و کشتیبانی فراهم آمده
و آنچه از امور مخصوصه تعلق بوزیر السیف دارد اینست
اول مجلس مشاورات است که در آن مجلس بعضی رجوع

وزرا و حکام و ضباط و عمال رسید کی کنند و صورت حساب تفصیلی بپادشاه و دارر

و مقصود ازین مجلس اینست که مداخل دولت و مخارج

بپیش برد **دوم** مجلس مباشرین مداخل و مخارج مملکت است

که چهل و دو نفرند و ایشان باید بهر جایی از مملکت فرانسه ناگاه

و بیخبر رفته ببینند چگونه از رعایا مالیات میگیرند بعدالت یا بجور

سوم تحصیلداران مالیات شد و بدانکه در هر ولایتی یک تحویلدار

خاصه میباشد و در هر ملکی یک تحویلدار عامه و در هر قصبه تحویلدار

دیگر است که مالیات سوا از رعایا گرفته بتحویلدار عامه میدهد و تحویلدار

عامه بتحویلدار خاصه سپرده تسلیم برات دولتی میکنند اعم

از اینکه خزینه داران دولتی باشند و یا عمال **چهارم** امورات

مالیات اصلیه و فرعیه است اصلیه یعنی مالیاتیکه برا ملاک و اشخاص

می نهند و آن بانی قسم است که اول براملاک می نهند

و دوم بر درب و پنجره و سوم بر سر شمار و اسباب خانه

و **چهارم** بر شغل و صنعت و فرعیه یعنی مالیاتیکه اول بر خوردنیات

موافق عدد دولت ... و ملوک ... از تحویلداران خاصه و ... مخارج تحویلداران عامه ۱۲

یکمرتبه بر ... و دوم بر نمک و سوم بر قند و چهارم بر اشیاء

مختلفه از قبیل اذن دادن بفروش مشروبات و کارخانهای

آب جو و شکر و قند و کالسکههای کرایه و آتش و ناس بازی

و کارخانه شوره پزی و آتش و ناس فروشی و عشر دروازه بلدی

شهرها و مهر دولتی بر اسباب و الماسیکه از طلا و نقره

ساخته میشد و مهر دولتی را که بر قبوض و بروات میزنند و ...

رهوفانها و پلها و نقاشی رهوفانها و عرق سازی و یکی سکه

یکمش مالیات فرعیه ماموریر در هر یک از ممالک فرانسه

یک رئیس است و در هر بلوکی یک نایب رئیس باری

بقیه اشخاص بغیر مباشرین و تحویلداران دویست و هشت نفر

و **پنجم** تنباکو و انفیه که ده کارخانه دولتی مخصوص این دو چیز در فرانسه

میباشند و **ششم** باروت سازی و غیره است و ...

بر تمام مالیات اصلیه و فرعیه مداخلهای دیگری که دولت دارد

مایان **تفصیلند** کم کهای ... گشتبانی و ... چاپ سکه

هرچه از دروازه بلدی شهرهای فرانسه حاصل میشود بمخارج شهرها از قبیل فرش کوچها میرود ۱۲

و اینکه مالیات را کی از رعایا میگیرند ... غیر از تحویلداران در قصبه ... ولی مانند تحویلداران عامه و خاصه ... در هرگاه تحویلداران دیر تر از موعد مالیات ... بر ... هر قدر دیر شد باید سفقت ... در هرگاه زودتر بدهند سفقت می ... ۱۲

کمتر از سی شاهی بیشتر نمیشود و هر کس در مملکت فرانسه توقف دارد
چه از خارج و چه از داخله باید این مالیات بدهد مگر اینکه
کور یا گدا یا زن باشد و باید دانست که از خارجه کسیکه سر شمار رسیده
که در مملکت فرانسه ساکن شده باشند و از اسباب خانه که خود شخص
تنها در آن خانه منزل دارد مالیات میگیرند از قراریکه حساب
کرده اند هر خانه با اسم ملاحظه شد چهار هزار و پانزده شاهی مالیات
اسباب ملا و مالیاتیکه بر درب و پنجره میگیرند عموماً هر خانه
سه هزار دینار میرسد پنجم گمرک است و مقصود این کارخانه
بیست و نه هزار و ششصد و پنجاه و هشت نفر در مواجب و مخارج
ایشان قریب بچهار کرور و چهارصد هزار تومان میشود و گمرک
هر نوع از اجناس موافق حکم دولت است یعنی هرچه دولت
مقرر میشود هر کس نیز همان نسبت را زیاد و کم نمیکند و پوشیده
نماند که از اجناس آنچه را دولت قدغن کرده نیز کم از خارجه بیاورند
باین تفصیل دزد و شکر و کار کرده آهن مفرغ

بر کاغذ تابت و هرات سلطنت و هرات سلطنت چاپارخانه‌ها و دروازه‌ها
و پولهائیکه بولایات فرستاده میشود و کاغذیکه بر کاغذهای چاپخانه
میزنند و حق محافظت سند و قبالجات رعایا است در دفترخانه
دولتی و منفعت از فروختن کاغذهائیکه مهر دولتی دارد و مخصوص
نوشتن قبوض و بروات و سایر نوشتجات لازمه رعایا میشود
و آنچه از تذکره و چیزهائیکه برای رفتن بتفرج میدهند و جرایم گناهکاران
و ماهی گیری و بیشه داری و غیره و موافق حسابیکه کرده‌اند روی هم
هر زارعی از املاک در مملکت فرانسه دو هزار دینار مالیات میدهد
و خانه‌ها روی هم هر یک چهار هزار و ده شاهی مالیات دارند
ولی بسیاری از خانه‌های بزرگ چنانچه در پاریس یافت میشود
هر یک صد و پنج تومان مالیات میدهند و بسیاری
از خانه‌های کوچک چنانکه در دهات پیدا میشود هیچ
رسم از جنس مالیات ندارد و در مالیات سرشمار قرار گذارده‌اند
هر شخص بقدر اینکه سه روز کار میکند باید سرشماری بدهد و بنج

سیصد دینار

مگر آنکه زر برای موزیکان باشد نمک صابون مگر آنکه عطری نه
سیگار و هر نوع تنباکوی دیگر قند وچند نوع عرق وظروف
بدل چینی بتری خالی بعضی اسبابهای مبور ریسمان پنبه مگر آنکه
از عدد چهل و سه بیشتر نمره بعضی ریسمانهای پشم گوسفند
ریسمانهای پشم حیوانات دیگر مگر آنکه از بز و یا گاو و یا سگ باشند
هر گونه پارچهای پنبه مگر تور و حاشیه توری باف علف
پارچهائی که از دم اسب میبافند پارچهای کشمیری مگر شال
بعضی پارچهای ابریشمی آتش بازی بعضی پوستها تیماجها
هر نوع چاقو آلات وادوات جنگ باروت وسایر
چیزهای قورخانه واجناسی را که گاهی در مملکت فرانسه قدغن
کرده از خارجه نمی آورند و گاهی اذن هم گمرک میدهند از
این قبیلند پشم گوسفند پوست گوسفند با پشم پوست دباغی
نشده صدف حبوبات وآرد حبوبات از امثال عدس
وماش ونخود ولوبیا وغیره برنج مملکت پنبه نشسته آهن نساخته

ریسمان

ریسمان کتان وشاهدانه فرش پشمینه شال کشمیری کتب
تصویر واجناسی را که گاهی در مملکت فرانسه قدغن
کرده بخارجه نمی برند وگاهی اذن داده گمرک میدهند باین
تفصیل میباشند غله حبوبات وآرد حبوبات انفیه سیگار
مشروبات اسباب طلا ونقره باروت واجناسی را
که در مملکت فرانسه اعانت میدهند وهم گمرک باین تفصیل است
فولاد حیواناتی که گوشت هر یک خورده میشود چوب رنگ
قهوه غله شاهدانه اسب پنبه آهن ریسمان پنبه ریسمان مخصوصه
از کتان وشاهدانه چدن هر نوع پنیر میوه جات خشک شده
بذرهائیرا که از هر یک روغن میگیرند کنجاله سفیدک روغن زیتون
پیه اسباب زراعت سوهان واره وبعضی از آلات دیگر
نجاری آلات کارخانه سوکه مثلش میکوبند قلیاب پوست
دباغی نشده سرب نفت برنج سنگ ولایات خارجه از طرف
دولت فرانسه سنگ خارجه پنبه پارچه کتان وشاهدانه

پارچه ابریشم و سایر اجناس دیگر و چیزهای دیگر در مملکت فرانسه
گمرک ندارد باید تفصیله کنتیتبلی اجناسی را که در انبار گمرک
میگذارند متاعی را که از خارجه آورده در باره تجارت بیرون
گمرک نهادن بر اجناسی در تجارت چه میبرند و اجناسی را که در مملکت
فرانسه هرگاه تاجری که شخصاً از داخله تجارت ببرد علاوه
بر آنکه هیچگونه مالیات و گمرکی نمیدهد از دولت چیزی میگیرد
از این قبیل جوهر شوره جوهر گوگرد کلّه علف گندم
یا برنج ورق مس ریسمان کتان یا پشم اثاث البیتی که در جوف
فولاد ساخته شده‌اند تنباکو ورق سرب صابون روغن زیتون
صابون روغن کرچک گوگرد صاف شده پارچه پنبه پارچه کتان
هر تاجری متاعی در فرانسه هست اینها را که دارد در انبار گمرک
گذارده هر وقت برداشت و بفروش رساند گمرک از آنها کم میدهند
و بدانکه هرگاه متاعی را از طرفی بفرانسه آورده بخواهند طرف
دیگر ببرند گمرک نمیدهند پنجم مسکوکات دولت و باید

دار

دانست که اغلب نوشته شده که تمام مسکوکات قدیمه فرانسه
در آنجا بیان وضع آنها نوشته میشود و در مملکت فرانسه
سیزده شهر هست که سکه میزنند و جهت معلوم شدن
پس هر شهری یکی از حروف تهجی را علامت قرار داده
بر پول آن شهر نقش میکنند مثلاً شهر پاریس الف است
و شهر لیان دال و خارجه را که در دولت بجهت ضرب آنها بمعتبرین
بیه ... هر سیزده سیر طلا سه هزار و چهار صد دینار ... ۴۲
و هر سیزده سیر نقره سه صد و پنجاه ... ششم آنچه
از املاک و عمارات و اثاث البیتی و نقدینه با امپراطور دا
گذارده نیز بدانکه هرگونه املاک و ... عمارت عالیه در
پاریس و غیر پاریس که با امپراطور کارخانهای سوزن دوزی
و باغ و ده با امپراطور واگذار نمیشود نیز و اثاث البیت از سوار
تاج و جواهرهای گوناگون و مروارید و ... نقاشی دیگر کتابها
با هرگونه اسبابهای نفیسه سیّتی که هست القصه دولت فرانسه

بمقتضای قواعد انتظامی که در دو زده تر از سایر دول فرنگستان
منتظمه لشکر دائم وزیر آماده که بهر جا که اعلیحضرت روانه نماید در لحظه
در آید دولت کابر را امپراطور اعلیحضرت فرمودند شفقت بهر وزیری
هست آن وزیر حکم شاه بحکام میرسد و حکام گوش زد کرد خدا بان
خطه را با سپه شاه و در ها ان آن افواج حرکت میکنند دیدبانها
جمع بجنبش می آیند و آواز شیپور ز بلند میشود و توپها مانند رعد
بغرش می آیند و مملکت فرانسه مانند شخص واحد برپای
ایستاده مصمم میگردد والسلام و خیر ختام

هو الله تعالی

مضمون روزنامه سورنی لئوپس مسکو

نمـ

تاریخ مارس سنه ۱۸۶۵

مضمون روزنامهٔ سورنی لیتوپس مکومس بتاریخ ماه ۱۸۶۵

از سنهٔ ۱۸۶۰ در تواریخ روس جا گرفته است داخل شدن قسمتی از ترکستان بمملکت روسیه
و عبارت باشد یک قسمت از سه قسمت ترکستان و کل بیشتر یک
قسمت از یک قسمت مدت مدیدی بود از ارتش تا سیردریا این بیابانها علفی
از شمال تا جنوب و از کوه تا رعنا نای از شرق تا غرب هرگونه دهات و مخاطرات
بود در میان این صحرا الآن چهار ناحیه تازه جا گرفته است بانضمام قصبات سیسی پا لانکه
بزرگ اورنبورغ قرقز ترکستان که از دهات و شهرها بنا میشود و سکنهٔ آنجا تخته
قاپو میشوند و راهها و پوستخانه‌ها و قافله بزرگ بهاب ساخته میشود و زینت میشود و تجارت
وسعت پیدا میکند سرحد اراضی مذکوره فوق از شرق کاشغر یعنی سنجار ای صغیر یا کوچک
و از جنوب خوقند و بخارا و خیوق از مغرب دریای ارال و بیابان قرقز اردوی کوچک
و از شمال تبوربه اورنبورغ و دریاچهٔ بالقاش و بار و تناه حوالی از ۷۸ تا
۹۷ طول مشرق و از ۴۱ تا ۴۵ عرض شمالی و ششصد و پنجاه هزار ورس
مربع مسافت نواحی مزبوره است سه از چهار قسمت این نواحی کوههای
آلتاتو و قاراتو و دیگری بسمت مغرب بیابان است طول سیردریا ۵ هزار

۵ هزار ورس است تا یکهزار ورس کشتیهای تواند بالا بیایند اتفاق میافتد
یخ میبندد اگر هم شود در سمت شمال میشود جزایر بزرگ زیاد آنچه مایل جار
آب زیاد میشود یکی درختستان از آب شدن برفهای کوه و یکی در زمستان
از کثرت بخارات ارضیه تا پانصد ورس کنارهای خود مشک نیست آبیاری
میکنند از پروفسکی تا ارال همه زار است و قزاقهای فراری در آنجا متواری
میشوند در این آب ماهیهای ملوکا استرا استرلادوا سم شچوکا شما
و غیره هم میرسی و در سیردریا تا سال ۱۸۴۵ کشتیها نبوده است و از اول ابتدا
که است هوای آنجا سالم است و رخوت صحرا سبز میشود مراتع و هوا
ساله از زیاد علف مخلوط است گرما به ۴۰ درجه میرسد در حمل صحرا
با گل و ریاحین خرم است و ماه سه از شدت حرارت خشک میشود تا
آخر پائیز به جان میرسانند اغنام و غیره را باید همیشه از جای بجای حرکت داد
درختستان نشه زیاد است در سمت شرق شعبه و دشت آسیا در سمت بالای سیردریا
در صحرای آن طلا نیز پیدا میشود و از زیر آب طلا را میگیرند بواسطه گرفتن نمد
و طلا بزیر آب زغال سنگی هست ولی استعمالش هنوز متداول نشده

فیروزه و سنگهای معدنی الوان زیاد است ولی فقط معدن فیروزه را کار میکنند

درختهای جنگلی از بلوط و یاسمن و کلن و غیره زیاد است هر جور میوه از انگور

و مرکبات بهم میرسد حتی یک دره دریوروپ نیست و نباتات نیک

دلپذیر است توت زیاد است و میتوان ابریشم زیاد عمل آورد گنج

و هر جور گندم و کتان و سایر حبوبات و رفاس عمل میآید و از انواع

همه جنس بهم میرسد طوایف آنجا بقرار ذیل است

مرغول جتقار قرقز ترکمان قراقالپاق اندک ایرانی خیوه

بیهق افغان کاشغری هند و سایر ملل خارجه شهرهای بزرگ
(بر مراکز)

ترکستان چم کنت تاشکند خجند قلعه نوزان چلک کورکان توکوکه

پشنیک تخماق روحانیان زیاد معتبر است زاکان شان قرآن

س نشان جغتای که بومی آنجا فارسی قدیم حرف میزنند و لیکن اهالی

آنجا که متصرف روس آمده ذکور ۴۰۰ نفر وسط چم کنت که از او

ینقورغ ۱۲۰ ورس مسافت آنجا از و سکا ۱۰ ورس از قوقند ۵۰ ورس

از آنجا ۵ ورس از خیوق ۱۸۰ ورس دریای قزوقیمانه درست گفته اند

هو الله تعالی

مراسله که از کوپانیه شرقی تجارتی روس در ماه مارت سنه ۱۲۶۷

مراسله که از کمپانیه مشرقی تجارتی روس در ماه مارت سنه ۱۲۵۸ بطرزبورغ نوشته آمده

در نظر است که رشته تجارتی کامپانیه وسعت و گشایش بهم رسد و آن از این تفصیل است

اولا در ولایات واقع شده اطراف خزر دوم در ولایات دولت ایران

یعنی در گیلان و مازندران و استراباد سیم در خاک ترکمان چهارم در ترکستان پنجم

در خراسان ایران ششم در بلاد وسط آسیا بهوای طالش و گیلان و مازندران و استراباد

هر یک گرم ترین ولایات دنیا است نباتات خوب بیرون از حد شده از محصولات اولا

از قبیل پنبه و نیشکر و توتون و کنجد و روناس و ابریشم و برنج و کتان بیشمار

و اقسام ادویه جات و میوه جات در جنگلهای آنجا فراوان است و درختهای کشتی سازی

و ذغال سنگ و اقسام معدنیات در دره ها و رودخانه ها که داخل دریا می شوند بسیار است از بهای

گران بها و کنارهای دریای خزر از طرف شرقی نفط و نمک در نهایت فراوانی

موجود است مثل آنکه در بادکوبه نیز حاصل می شود و از طرف جنوب دریای خزر

نیز جول و جنگل در تصرف دولت ایران می باشد اما کوههای بزرگ از قبیل البرز

در میان این ولایات واقع شده که منفصل می نماید بعضی از این ولایات را از سایر ولایات

مذکور

مذکور و مربوطست بروسیه و مقصود است راه آزادی دریائی و کسب جمع و نقل نمودن

مال التجاره از ژنه رشت یا استراباد و ارزان تر تمام شود تا از ژنه بطرزبورغ

از آنجائیکه تردد نمودن از ولایات واقعه در کنار رودخانه ادیل بطرف

ولایات مغربیه روسیه در نهایت اشکال است که نظر بتصرف ملکیه

بطرف ولایات بطرف ولایات جنوبیه بحر خزر داشته باشیم از آنکه

اشیائیکه در این اطراف مذکوره حاصلست بازارها از حد لازم دور است

و این جاها ممکن و مقتدر خرید و فروش مال التجاره با خواهش بنحویکه بسبب ازدیاد آن را

قوه و قدرت هم جنسی و هم سری با ما باشد و عمده کارها برای رونق یافتن

بازار اطراف خزر لازمست که دولت روس منظور و ملاحظه نموده که

ناس و سبب اطمینان مردم شده تا نفع از آن بیش از پیش سعی و اهتمام نماید البته

شکی نیست در بالمضاعف حاصل و منافع تحصیل خواهد شد و از این گذشته مالکیت

و معاملات ما چرا منحصر باطراف دریای خزر شد مگر بقدریکه از آن مذکور

اموال روسیه از کوههای البرز دشوار است بمال قدر گرانست عبور اموال

مال التجاره دولت روس را از طرف دریای خزر زیرا که فاصله دریای خزر

بنا بر تقدیر، با کشتی از راه دریای قرادکیز و بنادر ایران بسیار نزدیک است

و گذرانیدن اموال روسیه از بنادر المغرب نزدیکتر و آسانتر است از اینکه از دریای

قرادکیز یا از طرف بنادر ایران با ایران و ملاحق قرار داده حمل و نقل

اموال به تبریز و طهران سهلتر و ارزانتر می‌شود از حمل و نقل نمودن اجناس یوروپا

از جانب مغرب یوروپا به ایران و آن ولایاتیکه در طرف شرقی دریای خزر

واقع است در سهولت آنها شک و شبهه نیست الآن هم اشیاء روسیه

از هر جهت بر اجناس انگلیس ترجیح دارد و وقوع همین رجحان نسبه لازم است

که حاصل شود در طرف بخارا و خوقند در خصوص عبور آن اشیائیکه از

طرف دریای حاجی ترخان از سمت استراباد به بخارا و خوقند می‌رود

تا اینکه از جانب اتل ولایتین مذکورتین و کاروانهائیکه عبور می‌کنند

از بیابان کوره حدیل و قرقیز اقلا چهار پنج ماه طول می‌کشد اما در گذشتن

مال از طرف استراباد بالنسبه زیاده از چهار یا پنج هفته طول نخواهد کشید

همین قدر است که بجهت رفع شرارت ترکمن باید احتیاط نمود

چاره درست داشته باشند و پیش از وقت قراولان معین نمود که چه قدر

دست خواهد

وسعت خواهد یافت تجارت روس در طرف جنوب دریای خزر اما چهل هزار

فروش اشیا در جاهای مذکوره موقوف است مقدار اشیائیکه از ایران

به روسیه خواهد آمد و از حیثیت آب و هوا و وسعت ملک اجزای مذکوره زیست از جمیع

ابریشم و پنبه و در عوض این دو قدر داخل روسیه شود مثل اینکه اشیا مفصله علاوه از اینکه

ملیان نبات است از یوروپا به روسیه می‌آید قطع نظر از این در جهتهای کشتی‌سازی زیاد از ماهها

و افریقا و در مغرب یه حاصل می‌شود است روس حکم قبولانید پس باید در طرف جنوبی دریا

روابط و رونق تمام حاصل شود و تجربه بعضی از اشیا که لازم است چون نهایت اشیا

باید ملاحظه شود صرفه تجارتی آن را و هم استعداد و استقلال تجارتی کلی در مغرب زمین مشهور است

بعضی از اشیا به تاریخ هشتصد ۱۸۵۳ از یک ماه هزار لوط به قیمت چهار هزار لوط روسیه وارد و ملحقه

قیمت آن چهار میلیان منات را و علاوه از این از حمل و نقل کم شده در تبریز به سی هزار لوط

وارد شود و قیمت آن سی هزار میلیان می‌شود و بعضی از اشیا در یک سال لوط اسبابی که در دو ساله مسایله معین

به میلیان گرد اینکه بعضی می‌آید و گمرک حمل روس لازم خیر است در سرای باید بخوبی باید که لازم است

ملاحظه کند خاصه طرف جنوب دریای خزر داشته باشد زیرا که در نهایت و به بال تجارت

کمپانیه حاجی ترخان حد مرزان بسبب عبث شرق بوده است که سفر ...

دولتین دولت روس و انگلیس به هر نحو سعی و کوشش [illegible] مرحوم [illegible] کمپانی [illegible] بعد از [illegible]

نمی توانستند از خیال [illegible] ما در نظر داریم حاصل خزانه را از [illegible] ملاحظات خود [illegible]

درهای خزانه هیچ وقت راحت و فراغت نخواهند بود یا در فکر عبودیت و تعدی حکام [illegible]

با دوردار [illegible] تا [illegible] در شرط [illegible] شرح آن این است اول [illegible]

برقرار نمود و اهالی مرحوم در ممالک خود [illegible] رعیت را از [illegible] حکام [illegible]

و [illegible] راحت [illegible] تقلب نمودند [illegible] کمپانیه [illegible] نمودند [illegible]

این قسم [illegible] دولت [illegible] اجاره [illegible] خدمت خزانه [illegible]

[illegible] ملاحظات [illegible] حکام [illegible]

خیال [illegible] کمپانیه [illegible] است [illegible]

که در حمایت دولت [illegible] فعلا [illegible] حمایت دولت [illegible]

و منافع [illegible] دولت [illegible] در راه [illegible] خیالات [illegible]

نفع در اطاعت روس است [illegible] علی [illegible]

نفعی [illegible] در هر [illegible] نفع [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible] کمپانیه [illegible]

۲۷۰ نمره ۴

کمپانیه گاه نه

کمپانیه [illegible] قرار [illegible] کار خود را [illegible] سرکار [illegible]

بعضی از [illegible] قرار تفصیل است [illegible] در [illegible]

شرق [illegible] و مطلب [illegible] چنین [illegible]

و اهمیت این ملاحظات [illegible] قرار [illegible]

[illegible] کمپانیه [illegible]

[illegible] مطلب [illegible] این [illegible] در حمایت [illegible]

[illegible] والله [illegible] و [illegible] تفصیل [illegible]

سرکار [illegible] این [illegible]

اکنون [illegible] کمپانیه [illegible]

با [illegible] شورت [illegible] کارگزاری [illegible]

از طرف شما دارم [illegible] کارگزاری [illegible]

آن [illegible] است [illegible] سرکار کارگزاری [illegible]

[illegible] است [illegible] در [illegible] و حال آنکه [illegible]

ضرر [illegible] شما [illegible] داشت و کارگزاری [illegible] با همه [illegible] خود [illegible]

کلی را در تجارت دارد و اعتباری که در این تجارت ولله الحمد امتیاز بر این دولت و فور برای خود

سررشته کاری کمپانی آرد و از آن سبب نفع خطیری حاصل [illegible] معقود [illegible] امر بوده

ملکه غیرت باطنی [illegible] اوراد [illegible] ثابت [illegible] شکوه و جلال اسم پادشاه روس در مشرق

زمین از رواج اهل تجارت دولت [illegible] رعایای او و برقرار معمول اعتبار تجارت بلاد

در این ملک وسط گشاده اهل [illegible] این بهنا را از [illegible] را ملزم سازد و [illegible] طبیعت آن بلاد

رو دارد و [illegible] دولت سلطنت روس را سبب [illegible] تجارت

و زراعت بالکلیه خواهند از [illegible] و صنعت [illegible] قابل [illegible] فروش امتعه و تربیت [illegible] قابل

و این کمپانی تجارت از جانب کارگزاری [illegible] در خارجه روسیه [illegible] عوام مردم

[illegible] قابل [illegible] شمشیر [illegible] خواهد شد دولت روس را [illegible] خواهد

تصرف وسط آسیا را نفعی که هیچ تصرف فتح و ظفر [illegible] استحکام آن [illegible] معقود

رواج تجارت و اقتدار روس در وسط آسیا نه آن است که [illegible] را انعام [illegible] شده [illegible]

بلکه [illegible] خیال داخل معمول [illegible] و خود [illegible] در [illegible] زیرا

در آن بلاد مستقل و مستعد [illegible] تجارت و کارخانه جات و سایر [illegible] بلاد

به نتیجه توسعه

به نتیجه توسعه تجارت خواهد بود مگر [illegible] بازاری [illegible] در جانب شرقی [illegible]

اموال [illegible] دولت تنها [illegible] ممالک روسیه و بلاد مشرق زمین [illegible]

مصدوق روسیه است و در حقیقت واقع [illegible] اتصال طبیعی است از [illegible]

[illegible] و [illegible] دریای خزر و [illegible] وقت آن [illegible]

و [illegible] خود [illegible] این دولت مقتدر [illegible]

مشرق زمین و [illegible] در [illegible] صورت [illegible] در [illegible]

و [illegible] راه آهن ساخته شود و اتصال روسیه [illegible] بلاد [illegible]

[illegible] حال است [illegible] حال [illegible]

تجارت وسط [illegible] و اموال [illegible] مشرق زمین [illegible] است [illegible]

[illegible] توسط [illegible] در [illegible] واقع خواهد شد چنانچه در [illegible] معمول [illegible]

[illegible] اموال [illegible] اول از [illegible] خواهد [illegible]

[illegible] و [illegible] توسط [illegible] خواهد شد و روسیه از اموال مشرق زمین

سبب و باعث بر گفتن بار از مغرب زمین خواهد شد و آن وقت ضرر و صدمه زیادی

با انگلیس خواهد زد و معتقدم که اول یوروپا است از جهت تجارت [illegible]

نمونه یک تحفه ای یوروپا را ه بار خواهد شد وسط آسیا لهذا اگر که [illegible]

حال می فهمم که تحفه جنس و نقل کردن انتها کار تجار یوروپا از راه [illegible]

[illegible] الله است [illegible]

و در این امر از ملاحظه [illegible] [illegible]

و در عهد [illegible] با کمال [illegible] تعلیم مغرب زمین [illegible]

خود را تمام [illegible] [illegible]

انجام [illegible]

و حیات می بخشد و برقرار [illegible] الله است [illegible]

منفعت [illegible]

زمین [illegible] خواهد نمود [illegible]

کلته نمو

خاطر نموده انه شما یوروپ میتوانید بیش [illegible]

علکه ما هم ذخیره داریم اما و سایر اهل [illegible]

بیش رفت نموده طرف مغرب یوروپا [illegible] راه [illegible]

[illegible] تجارت یوروپا را [illegible] انگلستان و حقوق [illegible]

[illegible]

[illegible] در این خصوص [illegible]

[illegible] خود را [illegible]

[illegible] دارم [illegible]

[illegible] خواب [illegible] دارم [illegible]

قسطنطنیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

و کمپانی‌ها در ایران و وسط آسیا لازم است و قرار نمودن تجارت در آنجاها که منظور کرده

دولت انگلیس واجب است ترتیب دادن بعضی کمپانی‌ها در کلکته که جمعیت کرده

چند خط راه آهن از دهانه‌های خزر الی دهانه‌های آرال و این عمل از راه ساخت کمتر مسافت

عمده و مرغوب‌تر از راه طرق است که از دهانه‌های خزر تا دهانه‌های آرال معمول

راه آهن بر پا نمود و جهازهای آتشی و جهازات سنگی را ملاحظه نمود که در آن راه آهن

و از آنجا کشتی‌ها از دهانهٔ آب دریای آرال کشتی شکسته نتوان کشتی در آن قرار نمود

کشتی در آنجاها قرار شود بعضی دخول آنها شده توقف شود قسمتی در آنها

و در روسیه تازه و عمده که معمول است دیگر در واقع استوار راه آهن

و این سواحل دیگر لازم نیست خط راه آهن تجارتی و سرکار کارگری

تنظیم راه آهن مختصر در لندن ساخته شود و تجهیز [illegible] راه

آهنی باید یکدسته [illegible] تازه [illegible] لیو [illegible]

منصور باشد [illegible] اخراجات [illegible] راه آهن

در صورت [illegible] عهده کمپانی [illegible] در اطراف راه آهن [illegible]

قلعه و ده سابقه در عقب دران نقاط نهایت نمره [illegible] در کتاب [illegible] نمره و ششم

در کتاب رقم لغات و نمره دوم و سیم و چهارم راه آهن [illegible] نمره اول و ششم این

قلاع باید واقع شود و این نمره اول و ششم در نقشه معلوم شود رقم [illegible] فرانکی

و تجهیز قوه و استعداد قلعه‌ها و آتش لازم است [illegible]

رعیت [illegible] و تجهیز [illegible] تجارت وسط آسیا کمپانیه لازم است [illegible]

در [illegible] سرحدهای تجارتی راه [illegible] در صورت [illegible] دولت روس [illegible] حقوق

و حاکم [illegible] ملاحظه نمود و تجهیز [illegible] خطر [illegible] واجب است

[illegible] کمپانیه [illegible]

در [illegible] ایران [illegible] کمپانیه [illegible] وسط [illegible]

[illegible] عمده [illegible] نهایت [illegible]

[illegible] میگردد

[illegible] میگردد

[illegible] چهارم [illegible]

میکند بر بلخ و کابل و قندهار و هرات و مشهد و استراباد و پنجم
از قندهار تا شیرکات و در همه این راهها کمپانیه کاروان قرار خواهند داد
و بجهة نگاهداری این طرق از دزد و شریر اولا لازم است مهیا
نمودن ده عراده توپ با پرخصت از دولت آگاه شد چنانکه در امریکا
برقرار شده بود و در زاکون نصب هیچ هم مذکور است دویم از اخراجات
کمپانیه باید یکفوج سرباز و شتر سوار برقرار شود سیم علاوه براین ها
در جاهائیکه منفعت خیزش نیز فاکتوریه بر پا شود مثلا در بغاز انکلیس برای
و در قلعهٔ نوپطروسکی و سایر امکنه و بجهة امنیت فاکتوریها باید اجازه دولت
اذن خریدن اسلحه برای ساکنان حاصل شود چون معاملات کمپانیه
نقدا زوسیع تر است از معاملات کمپانیه امریکا که پایه نقدی پس
پیشتر از وست و مقصودش نیز عمده تر است از او و همچنین امور اش
اهم از وست لهذا کمپانیه مذکور خواهش میکند از دولت و ان
حقوق و کمپانیه امریکا داده شده بکمپانیه مزبور نیز داده شود و در فصل
زاکون در پنجم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و هیجدهم و دویست و دوم

مذکور مسطور شده بجهة نگاهداشتن این فاکتوریها از تاخت و تاز
اشرار متعهد است به مهیا ساختن و فرونه کشتی بخار جنگی در بغاز بحر
و در کلتوک مرده و بغیر از اینها مهیا خواهد کرد کشتی بخاری دیگر و یکی
دریای و یکی رودخانه باشد و بعدها اگر ازین قبیل تدارکات
لازم شود به ازدیاد کشتیها خواهد کوشید اعلا بکمپانیه اذن فراهم آوردن
اهل صنعت از هر صنف داده شود از قبیل مهندس و توپچی و صاحب منصب نظام
پیاده و کارخانهچی و ماشین ساز و طبیب شکاک و طبیب و جراح و لا شغل
و کاران دارای شغل و کار سایرین است و میتوانند بواسطهٔ صنعت و فن
اقتدار کلی در بین رعایای انجا حاصل نمایند و از مسامحه کردن ناخوش شدن
سخت چند دفعه قصد از وجاذبه خود را در بین ناس ثابت و برقرار
خواهند کرد شکی نیست و بعد از انکه کمپانیه این اطبا را با خود داشته باشد
البته میل مسلمین بسوی کمپانیه زیاد خواهد شد و این قول را ثابت
میتوان کرد از قرار رفتار انگلیس در وقت تصرف کردن فرانسه در وقت گرفتن الجزایر
و بجهة انکه خود در رفع شرارت ترکمان و اهل قزاق لازم است

و در کشتیها از هر قسم اسلحهٔ آتشی مهیا باشد و بجهة تعمیر شکست و بست کشتی اذوقهٔ آهن و تخته
بطلب کمک ماشین سازها از انبار حاجی ترخان و باکو به و غیره و در وقت
ضرورت نیز میتوانند مطالبه کنند از قبیل لنگر و آسیا و دیگره از قرار قیمت
انها منفعت صدی یک بهره و صاحب منصبانی که در خدمت کمپانیه
میباشند استحقاق خواهند داشت همه حقوقی که صاحب منصبان دولتی دارند
مکر مواجب دولتی و ترکمانهای شرقی دریای خزر رفته رفته آشنائی کسب کنند
با ساکنین حول و حوش انها با ساکنین طرف حاجی ترخان و سایر ایشان
منحصر نیست بکنارهای دریا بلکه روابط تجارت هم با رعایای ایران دارند
و انگلیس بقدر رعایت و قوت خواهد آمد از دیاد روابط تجارت
ترکمه را با سایر ملل چنانچه در سنه ۱۸۵۴ در ترکستان انجمن کمپانی از صاحب
منصبان انگلیس ظاهر گشت و خریدن ماهی و اجاره کردن ان در خاک ترکمان
تخصیص خریدن نفت یا اجاره کردن جزیرهٔ معدن نفت مسمی بچلکن است
از وقت تمشیت این امورات مذکوره مانع و قاطع تردد در ترکمانها
بدریای خزر خواهد شد و استدعا از دولت آنستکه همت خود باید

متعهد

متعهد شود که بدون ارتضاء طرفین کمپانیه دیگر برقرار نفرمایند و مراعات
کردن این شروط باعث حصول مقصود تجارت ما در وسط آسیا تعجیل تمام
خواهد بود و عاقبت این امور بجهة دولت منافع بیشمار خواهد داشت و چون
بروز و ظهور این امر از شاهنشاه برین سبب بنده و سرکار گاگرین اف از آن
جناب خواهش داریم که در خصوص مضمون مراسلهٔ مورخهٔ نهم ماه اپریل امسال
وقت بفرمایند و در تحت حمایت خود این امر بزرگ دولتی را قبول نمایند
تا پیشرفت و ترقی این امر کمپانیه که از زحمت پرورکار دانی شما بظهور رسید
در تعویق و تعطیل نیفتد قول کشتی جنرال ایتنانت خرولیف باین
الحاقات منظور نمودم که عریضه را باتمام برسانم
اولا آنچه باعث نگاهداری خط راه آهن میشود آنستکه دولت متعهد شود با ساختن
چهار قلعه در خاک ترکمان در مکانهای نمرهٔ هفتم و هشتم و نهم و دهم قلعهٔ
قزغز در نمرهٔ یازدهم ساخته شود و لازم است در هر قلعهٔ از قلعه‌های راه
آهن یکدسته سرباز و همچنین قزاق که بجهة محافظت و حمایت برقرار

شود که در نقشه جستجو شود مکان مزبور بر قسم الف فرنگی و مکان فاکتوریه
قره‌سنگر واقع است مابین رودخانهٔ اترک و گرگان که مقابل جزیرهٔ
آشوراده است و این مکان صحراست که واقع است در کنارهٔ دریا که این
اقامت نیز به بندرگاه کشتیهای ما در کار است و جزیرهٔ آشوراده بندرگاه
کشتیهای جنگی و سایر کشتیهای ماست ممکن نیست ساختن فاکتوریه در آنجا
اولاً بجهة آنکه جزیرهٔ ارتوس و بوکینیه که در نقشه معلوم شده در قدیم بعضی
الآن بکلی آنها را آب پوشانده و محو شده‌اند دویم آنکه این جزیره است
ریگ‌زار بی هیچ گیاه. در آنجا دیگر از این گذشته آب و هوای آنجا
مهلک است که تب لرز و اسهال از خون احداث میکند بالاخره
اول کاری که برای کمپانیه است آن است که در کمال دقت بجهة تجارت
خود مجذوب خود نماید حکام ایران را در آن حوالی میباشند و بعد نماید بخرید
زمین در قره‌سنگر بجهة ساختن فاکتوریه و این فاکتوریه مواصلت خواهد
روس را با ترکمانان گوکلان و یموت و ملایم خواهد کرد بطور دوستی از

ورواج

و رواج خواهد داد در میان ایشان تجارت را و بعد از حصول اطمینان
و خاطر جمعی دولت ایران از کمپانیهٔ مذکور فاکتوریهٔ قره‌سنگر را نقل میکنیم
به آق قلعهٔ مخروبه که در پانزده فرسخ مکان فوق است که از ترکمانها تابع
گردیده است مراسلهٔ کاکرنف بجنرال کاوالفسکی رئیس دفترخانهٔ آسیائی
وزارت مهام خارجه نمره ۲ سنه ۱۸۵۶ سرکار با مرحمت یکور پطرویچ مراسله
مفصله که بار دوم طور دیگر در خصوص امر تجارت با ایران برای وزارت متعال اولیای دولت
نوشته بود خوانده‌ام جناب عالی در خصوص مراسله مذکوره از قرار ملاحظه
کاملاً که بطور نوشتهٔ بنده بهتر برای من مفهوم شده است و اکنون کمپانیه
دیگر در این خصوص در مسکو احداث میشود لاکن با آنکه در کمپانیهٔ اول بعضی بعد
بزرگی می‌بینم این است که این کمپانیه شراکت است باید بر طبق قرار و
زاکون رفتار نماید پس این مشتمل بر امورات جزئی است و در تبعیت
صاحب منصب باید باشد پس گذشته بر اینکه این شرکا متفرقه نمی‌توانند این
امر جدید را فیصل دهند سهل است که امورات معمولهٔ کمپانیهٔ قدیم را نیز
خراب خواهند نمود پس از آنقدر ملاحظه کنید در کارخانهای دستی کشتیها

و معدنهای دولتی که در دست اینگونه اشخاص در کار است در چه حالت میباشد
و در کمپانیهٔ دویم یعنی کمپانیهٔ سکوی یک صاحب منصبی از وزارت داخله
در کار است هم سبب بوتفنکی میباشد و به بعضی از دولت مبلغ صد هزار منات
در داد و ستد انها داخل که واین بوتفنکی در انجا بمقام ریاست خواهد
تا حال حساب کمپانیه را بنفع امپراطور بیاد و لاعدا کارها در عهدهٔ یک نفر
از ارامنه است که نافع باشد ولیکن در این فقره کار در طرف قدم از این
صراط مستقیم بکلی خارج و بر رفتار خواهد شد و در اول نقشه خاصیتش مانند
ستارهٔ در مقابل بوتفنکی طلوع خواهد کرد معلوم است که این قسم کمپانیها
وازین قرار بنا هیچ وقت در امور تجارت ایران و آسیا معنی پلتیک
حاصل نخواهند نمود بر شما معلوم است که انگلیس از ابتدا پیرو نوشتجات
انتشاری کمپانیه با قواعد زاکون پروا نمیدارد و بلکه بنفع آنها مقاصد مذکوره
و اوامر تنزل و ترسان نخواهند نمود نه محض قول و آنچه من میفهمم آنست که کمپانیه
مقرر میشود با یه غیر نفر در زاکون و صاحب منصبانی که در آن کمپانیه مقرر میشود نفر
دو جهه نفر و اشخاص که استعفا از آن داکن هیئت شد بر قرار نمانید تا بدل کردن مرام

و این

در این مهام دست برده از تفصیل انها نتیجه حاصل نماید و اشخاص که برابر دیگر
این امر را دارند و میتوانند در استحکام آن سعی و کوشش نمایند با عظم برابرند یکی از انها
استیپان ملک بوروج خردیف است و از چون نیکیها و تجار ارامنه در این امر
نتیجه حاصل نخواهد شد مگر آنکه دیر باشد دیگر تعویق خواهد افتاد و انوقت اقتدار
انگلیس در مشرق زمین چنان استحکامی خواهد یافت که همه سعی و کوشش اهالی صاحب
و همه اهتمام ما بهبائی رسید و کار از کار گذشت و مقصود کلی من از این مآل نیست
مگر تکوین نفوذ پولتیکی و تجارتی در این کمپانیهای روس در مشرق زمین و مقصود از
همه نوشتجات من نیست مگر اوج گرفتن و صعود نفوذ امر این کمپانیه و در یکوقت
نامه‌هوی در خصوص معدن طلا کاغذی نوشتم و انهم بخواهش خود نبوده بلکه از من
خواهش کرده من نیز اوقات عزیز صرف نمودم و تدابیر مفیده با رای صواب جمع و تحریر
داشتم ولیکن تحقیق بر تدبیر و صواب دیدم نشد مقصود از این نوشتن آن است
اگر امورات کمپانیه پطربورغ و مسکوی بوفق دلخواه و اندمهام خارجه نباشد
انوقت در مقام سؤال با من بر نیایند و نه آن است که منافع و پول تجارت
ایران و آسیا مرا مجذوب خود ساخته بلکه بخوشی امر را موافق دلخواه دولت حضرت

ایران

بر شود تا اقتدار این ما در شرق زمین منتشر گردد چون در حقیقت خیر ملتی است هر نتیجه

نمی خواهم خواهشهای نفسانیه خود پیش آورم و شروع بانبعاث ملایم این

امر را با پیر انجام آن قبل کنید هر کار را با مرحمت نهایت حرمت مراد محبت قلبی

ما را نسبت بخود کاکریف

مراسله جنرال خرولیف بکنیاز بارآتینسکی جاپین ۲۱ ماه یون نمره ۱۷۱ خاطر جمع

باشم و شما بدل گرفته ام در این کارها اهتمام خواهید نمود در این امر برای

روسیه پولتیکه در وسط آسیا در باره جاها آنچه امید دارم در بیست پنجم ماه یول

در تفلیس شما را ملاقات کنم و قریب یکهفته در آنجا توقف خواهم نمود بعد بباکو به

و از باکو به سواحل ترخان و از آنجا بمسکو معاودت خواهم نمود و من از امپراطور

شفاها خواسته ام که در این ایام صحیح مرخص فرمایند تا برای امر عمده پولتیکی اقدام نموده

مشغول شوم و امپراطور خواسته های مرا قبول فرمودند با شرط اینکه از خدمت بیرون نروم

و در ایام جنگ از خدمت خود دست نکشم بعد از روانه داشتن خدمت جناب اشرف

کاغذی که کاکریف و نواسنکی با نبیره صحبه که نوشته بودیم کار را بهمان نحو در وزارت

مالیات مانده است و وزیر مالیات قرار داد که کمپانیه تجارت را بجهة وزیر مهام

خارجه روانه نشته و کنیاز خرولیف آنها را دوباره روانه نمود پیش سرکار ربوک و این

مقصود را معلوم داشت و از قرار ملاقات و گفتگوی شما با کاکریف خاطر جمع شدم

و از آنجا که این مسئله خطیره در خیریت دولت میگذارد و خاطر جمعی میدهد ما را

بر ما نیز آن مقصود اصلی بوفق دلخواهی منظور است و در قطع و فصل کردن

چنین امر عمده هیچوقت مسامحه و غفلت نباید بکنیم والا انگلیس دست باین امر بصر

خود مثل آن پیش پیشتر از آن وقت ما در خصوص بهیچ نحو با انگلیس نمی توانیم

در مقام ستیزه و دشمنی برآئیم چون من دیدم که از برای امورات پیش رفتن حاصل است

لهذا بیرون آمدم بجهة ملاقات و در آنجا تا آن جناب به شما مضمون مراسله را گفتن جناب اشرف

نهایت کفایت و کاردانی را دارا هستید و فهمیده مقصود ما این امر عمده پولتیکی را

خواهش میکنم که او را در حمایت خود گرفته راه بر ناظر بدیده همه طرفات و خواهش

و کاکریف ما بتوسط اهتمام شما باشد مختصر آنکه هیچکس را نشناسیم مگر شما را و کاکریف

بمن سفارش نمود شفاها بگویم که از مظفر و رعیات بجهة آنکه آن تفلیس بملاقات شما و در

[illegible] ساختن راه آهن در بین دریای خزر و دریای اورال [illegible] دراه آهنی که از

[illegible] تا تفلیس و روسیه از بابت اشخاص متمول نهایت تمنا را آنهم و آنها

در این کمپانیه تعاقب بسر راهی خواهند نمود بجهة انجام چنین امری بزرگی و جرأت

شخص دانا و کافی در جویای خبر کامل باشد و ممکنتی را است بر لکه و از مقربین دولت باشد

و کمپانیه انجمایل را در جناب شما می‌پنهد و مستدعی است که جناب شما ایشان را در تحت

حمایت خود قبول نمایند والسلام

هو الله

ترجمه مراسله گارگریف

به جنرال حردلیف سنه ۱۸۵۷

نوشته است

ترجمه مراسله کاگریف به جنرال خرولیف سنه ۱۸۵۷ نوشته است

در روز بعد از مفارقت ما در مسکو آمده‌ام بطرزبورغ برای اظهار امتنان مخصوص به پرنس گرچکوف
بجهت مراسله که بگرمی تمام بوزیر مالیات نوشته بود که اذوقه لازم بود داشتن سبب
تعویق این امر را در وزارت مالیات به همین جهت در ساعت نهم صبح پیش مالتسوف رئیس
موقتی دفترخانه شرق رفتم بجهت معلوم نمودن لا استجاب پرنس گرچکوف از جانب
وزیر مالیات خبر تازه رسیده یا نه در دفترخانه خیال دارند مجلس بجهت
وارسی این امورات بیارایند و پرنس گرچکوف در ماه نوزدهم مالتسوف را
روانه نمود پیش بروک وزیر مالیات که در خصوص آراستن مجلس برای وارسی
این امورات بگوید که هیچ تفاوت در وزارت خانه و خواه در کانتیت یا در جای دیگر هیچ
تفاوت ندارد چنین اشخاص عاجز بی‌هنر هستند که باید باشند مگر فقط لازم است
که بروک تعجیل نماید و به تا بیان آگاهی این امورات بجهت وارسی کمال
دیروز از آن رفتم پیش فون درفیت که رئیس دفترخانه وزارت مالیات باشد
و در آنجا شنیدم که این کار با حرف محض است و دخلی بکار ندارد چنین که تا سال
جواب مراسله بهیچوجه بطور نرسیده است باز پیش مالتسوف مراجعت کردم و او را تاکید

نمودم

نمود کاغذی در خصوص برید او هم فرستاد به دفترخانه خود سفارش کرده بنویسند
که وزارت مهام خارجه بجهت تعیین مکان برای مشورت و وارسی این کار بالکلیه
رجوع بوزارت مالیات میکند بالاخره تمام صبح از پا افتادم و قریب هزار
پله بالا و پائین رفتم تا آخر این کلمه وارسی که بگوشم مخ رسید و ساعت از ظهر
گذشته بود که پیش کنیاز گرچکوف رفتم بعمل صحیح که در غیاب من در پی
انجام این کار خواهد کوشید و اهتمام خواهد نمود هم چنین سفارش کرده که در مراسله
بروک وزیر مالیات این عبارت را نیز اضافه کنند که چون در این امر
جهات پولتیکی منظور و ملحوظ است لهذا البته این کار بخصوصه بنفعیت باید بیاید
و از این هم باید دل مشغول شد البته باید کمیسیون وجه بجهت نمونه تاثیر خیلی دارد
با وجود طول و تفصیل آن ارسال مراسله نصرت نمود این مقصود را بنفعیت برسانید
و قطع این ارسال و مراسل و اجرای آن امر در عهده التفات و اهتمام جناب شما
غفلت نکنید وزارتخانه که دارای خیرخواهی عمومی است و در نتایج خیر جا
دیانت است و در این غیرت وطنی ملحوظ است البته فیصل آن اولیای دولت
حمایت خود اقلا گاهی نخواهند نمود و بعد از خیره تقی از بروک بموقف خواهد

خبر قرار و مدار تازه در این خصوص رسید، چون ملاحظه کردم چنین مصلحت دانستم
که با بیان این قرار و مدار را قبل از نمره شرطی که برای تتمه خواهشهای سرکار علیه باز
و نوشتم بکنیاز زرکر جکوف که بروک درکار با چنین انتقال تفکر نرسید
و در چهارم ماه اپول قواعد او را تسلیم شده و در کمیت غفقاز داری مشغول و در
پانزدهم ماه بطرا امپراطور خواهد رسید و الان بر جانشین غفقاز لازم است
با غیرت تمام بجهت ساختن راه آهن و راه انداختن کشتی بخاری در دریای
حاجی ترخان و قرار دادن فاکتوریه با متحفظین در طرف شرق حاجی ترخان اهتمام
و کوشش نماید و در جوف این مراسله کاغذی بکنیاز زرکر جکوف نوشتم با صورت
تفاصیل قرار و مداری که بروک متفق گشته با امضا نمودیم ارسال شد روانه نمودیم


کتابخانه مجلس شورا
۷۲۷